

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۸۹

شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۳، ۱۰ اگوست ۲۰۲۴

اعدام کمکی به بقای حکومت نخواهد کرد!

کاظم نیک‌خواه

ماشین آدمکشی حکومت اسلامی فعال‌تر از پیش به حرکت درآمده، و روز ۱۶ مرداد یکی دیگر از معترضین انقلاب زن زندگی آزادی، رضا رسایی را به جوخه اعدام سپرد و موجی از خشم و نفرت علیه حکومت را در ایران و در خارج برپا کرد. رضا رسایی "گناهش" این بود که در کنار دیگر مردم معترض علیه دیکتاتوری و چپاول و سیستم نفرت‌انگیز حاکم بر این کشور اعتراض کرده بود. به دنبال این جنایت حکومت اسلامی روز چهارشنبه ۱۷ مرداد تنها در یک روز ۲۹ نفر از زندانیان جرائم عادی را نیز اعدام کرد و صدها نفر را داغدار نمود.

حکومت مفت‌خوران حاکم، تلاش می‌کند با کشتار و جنایت فضای اعتراضی جامعه را عقب براند و خود را چند صباحی بیشتر سر پا نگه دارد. فضای گسترده سرنگونی‌طلبی در جامعه، نفی گسترده حجاب اسلامی، بایکوت وسیع انتخابات کذابی حکومت، و فضای تعرضی‌تر در جامعه علیه حاکمین و به‌ویژه نفی سنت محرم و عاشورای حکومتی، و به دنبال آن ترور سرکرده حماس اسماعیل هنیه، روحیه پادوهای حکومت را بسیار پایین آورده و برعکس موجی از امید و خوشحالی و خوش‌بینی را در میان مردم دامن زده است و فضای ضد حکومتی را تقویت کرده است. گفتمان‌ها و بحث‌ها و رفتار اجتماعی مردم گویای نفی همه‌جانبه جمهوری اسلامی و به لرزه در آمدن پایه‌های آن است. مردم به خلاصی از شر این حکومت بیشتر و بیشتر امیدوار شده‌اند و سرپیچی اجتماعی بسیار گسترده شده است. مردم با زدن زیر تمام سنت‌های حکومت خود را برای اعتراضات و خیزش‌های گسترده‌تر آماده می‌کنند. اعتصابات و اعتراضات کارگران و بازنشستگان و پرستاران نیز این امیدواری را بیشتر تقویت نموده است. در این شرایط جمهوری اسلامی با جنایت و اعدام به خیال خود می‌خواهد این فضا را عقب براند.

نه فقط اعدام معترضین زن زندگی آزادی، بلکه گسترش اعدام زندانیان جرائم عادی نیز اساساً تلاشی در همین راستا و برای ارباب جامعه است. به طور واقعی تمام کسانی که توسط دستگاه قضائی این حکومت محکوم و اعدام یا حتی زندانی می‌شوند، زندگی‌شان ناعادلانه قربانی می‌شود و همگی قربانیان یک سیستم ضدانسانی و وحشیانه و چپاولگر هستند که یک‌ذره عدالت و انسانیت در قاموس آن معنا ندارد. قربانیان این حکومت مستقل از اینکه چه جرمی مرتکب شده باشند، قربانی یک سیستم ناعادلانه و ضدانسانی هستند و باید از آنها دفاع کرد. قضات و آخوندهای مرتجعی که بویی از مدرنیسم و انسانیت و حقوق انسانی نبرده‌اند صلاحیت رسیدگی به پرونده هیچ‌کس را ندارند. اعدام در هر شرایطی و توسط هر دولتی قتل عمد دولتی است. کشتار هر انسانی هر اندازه هم که جرمی مرتکب شده باشد، یک قتل و جنایت توسط دولت است.

به‌ویژه این حکومت با انگیزه‌ها و اهداف ادامه در صفحه ۴

تشدید تنش‌های جنگی و موقعیت جمهوری اسلامی

مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

صفحه ۲

کارزار حمایت از شریفه محمدی شماره ۱۰

کارزار حمایت از شریفه محمدی، پخش‌ان عزیز

و سایر محکومین به اعدام

صفحه ۵

نان گران شد، فقر، فساد، گرانی، میریم تا سرنگونی

شهلا دانشفر

صفحه ۶

قاتلان رضا رسایی را راحت نخواهیم گذاشت!

صفحه ۸

شکست وعده "خون‌خواهی خامنه‌ای" برای هنیه

تروریست!

محمد شکوهی

صفحه ۹

تهدید گسترش جنگ در خاور میانه و نقش

تاریخی مردم ایران!

صفحه ۱۱

التماس پزشکیان از خامنه‌ای با دستور خود خامنه‌ای

مهران محبی

صفحه ۱۲

فاشیسم جمهوری اسلامی علیه مهاجرین افغانستانی

را در هم بشکنیم!

صفحه ۱۳

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۴



تشدید تنش‌های جنگی و موقعیت جمهوری اسلامی تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

رژیم جوابگویی به این اتفاق هویتی و استراتژیک است. این هم روشن است که تضعیف جمهوری اسلامی در موقعیت منطقه‌ای اش مستقیماً بر موقعیتش در خود ایران هم تأثیر می‌گذارد. تا همین‌جا مردم انواع طنزها و جوک‌ها و متلک‌ها را نثار رژیم کرده‌اند. همه‌جا صحبت از این است که دولت اسرائیل تا مغز استخوان این حکومت نفوذ کرده است و رژیم هیچ کنترلی بر اوضاع امنیتی خودش ندارد. کلیپ چهره نگران و مضطرب خامنه‌ای در نماز بر سر تابوت هنیه و تکثیر آن در سطحی گسترده در مدیای اجتماعی به همراه کامنت‌های تحقیرآمیز علیه حکومت خود به شکل نمادینی بیانگر وضعیت رژیم پس از این ترور و برخورد جامعه به آن است. از این نظر نیز جمهوری اسلامی خود را ناگزیر می‌بیند که به نحوی این وضعیت اسفناکی که به آن دچار شده را تغییر بدهد.

جلیل جلیلی: شرایطی که توضیح دادید تنش جنگی بین جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل را به مراتب تشدید کرده است. همه از حمله قریب‌الوقوع رژیم به اسرائیل سخن می‌گویند. به نظر شما آغاز یک جنگ گسترده بین جمهوری اسلامی و اسرائیل تا چه اندازه محتمل است؟

حمید تقوایی: نکته اول این است که به نظر من احتمال جنگ به معنی یک مقابله نظامی تمام‌عیار و مستقیم میان جمهوری اسلامی و اسرائیل بسیار ضعیف است. در نمونه‌های تنش نظامی که تا به حال شاهد بوده‌ایم هیچ‌یک از یک درگیری نظامی محدود و کنترل شده فراتر نرفته است. هر اندازه هم مسئله برای جمهوری اسلامی مهم و هویتی باشد در این واقعیت تغییر داده نمی‌شود که رژیم توان نظامی مقابله با اسرائیل را ندارد و به‌خوبی می‌داند بازنده چنین مقابله‌ای خواهد بود. مرگ بر اسرائیل و رجزخوانی‌های حکومت علیه دولت اسرائیل، مانند شعار مرگ بر شیطان بزرگ، کلاً برای حکومت اهمیتی تبلیغی و گفتمانی دارد تا معنای عملی - نظامی. از سوی دیگر دولت اسرائیل هم خواهان یک رودرویی نظامی مستقیم با جمهوری اسلامی نیست. دول غربی هم خواهان چنین درگیری‌ای نیستند. حتی دولت چین هم ضمن محکوم کردن ترور هنیه خواهان پرهیز از انتقام‌جویی و تشدید مناقشه طرفین شد. تلاش‌های دیپلماتیکی هم برای جلوگیری از جنگ آغاز شده است.

همه اینها حاکی از این است که شکل‌گیری یک جنگ تمام‌عیار بین دو دولت تقریباً منتفی است. مسئله‌ای که بیشتر مطرح است حمله موشکی رژیم به خاک

جلیل جلیلی: بعد از کشته‌شدن اسماعیل هنیه در تهران تنش جنگی بین جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش با اسرائیل بالا گرفته است. همه‌جا صحبت از عکس‌العمل جمهوری اسلامی در پاسخ به ترور اسماعیل هنیه در تهران است. جمهوری اسلامی به روال همیشه از انتقام سخت و ادب کردن اسرائیل و نظایر آن دم می‌زند و رجزخوانی می‌کند. از سوی دیگر دولت‌های منطقه و دول غربی در تلاش دیپلماتیک برای جلوگیری از تشدید تنش و گسترده‌تر شدن جنگ در خاورمیانه هستند. این وضعیت به کجا می‌انجامد و چه تأثیری بر موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه و در خود ایران دارد؟ در این مورد با حمید تقوایی گفتگو می‌کنیم.

این راه هم خاطرنشان کنم که این برنامه روز ۳شنبه ۱۶ مرداد ضبط می‌شود و ممکن است تا زمان پخش تحولات تازه‌ای رخ داده باشد که در این برنامه پوشانده نشده است.

حمید تقوایی، در این گفتگو می‌خواهیم در مورد تنش‌های اخیر در منطقه صحبت کنیم. ولی لازم است ابتدا این سؤال را مطرح کنم که به نظر شما تا همین‌جا ترور اسماعیل هنیه در تهران چه تأثیری بر موقعیت جمهوری اسلامی در ایران و در منطقه داشته است؟

حمید تقوایی: روشن است که این ترور صرفاً حمله‌ای به رهبر سیاسی حماس نبود؛ بلکه حمله‌ای به اعتبار و موقعیت جمهوری اسلامی هم بود. شرایطی که بعد از این ترور به وجود آمده برای رژیم کاملاً حیثیتی است. البته جمهوری اسلامی اعتبار و حیثیتی در میان مردم ایران و حتی مردم دنیا نداشت که از دست بدهد؛ ولی در میان نیروهای نیابتی‌اش و کلاً نیروهای اسلامی در منطقه موقعیت و به‌ویژه ادعاهایی داشت که با این ترور همگی نقش بر آب شد.

جمهوری اسلامی با پرچم مرگ بر شیطان بزرگ و کلاً غرب‌ستیزی و اسرائیل‌ستیزی خود را محور و رهبر جنبش اسلامی سیاسی در منطقه می‌داند و ترور اسماعیل هنیه در تهران، آن هم در شرایطی که به عنوان مهمان رسمی جمهوری اسلامی به مراسم تحلیف رئیس‌جمهور رژیم به ایران دعوت شده بود، ضربه کاری‌ای به این موقعیت و ادعاهای حکومت وارد کرده است. نتیجه مستقیم این امر بی‌اعتباری جمهوری اسلامی در میان نیروهای اسلامی در منطقه است. به همین دلیل برای حکومت بسیار اهمیت دارد که به نحوی این ضربه را جبران کند. این بار مسئله با درگیری‌های گذشته مثلاً بعد از ترور قاسم سلیمانی و یا حمله به سفارت رژیم در سوریه متفاوت است. برای

به پاسخ محدود و بی سروصدايي رضاييت بدهد. اين بار هم به دنبال چنين تمهيداتي هستند. مي خواهند راهي جلوي جمهوري اسلامي بگنارند که در عين اينکه بتواند به نحوي اين ضربه را خنثي نمايد و اعتبار و آبروي خودش را در ميان نيروهاي طرفدارش تا حدي احيا کند، از ادامه و گسترش جنگ جلوگیری بشود. بزودي عکس العمل جمهوري اسلامي نشان خواهد داد که اين تلاش ها تا چه حد موفق بوده است.

جليل جليلي: در اين ميان دولت اسرائيل چه هدي را دنبال مي کند؟ آيا بالاگرفتن تنش نظامي به نفع سياست هاي نتانياهو نيست؟

حميد تقوايي: دولت نتانياهو همانطور که بارها اعلام کرده خواهان ادامه جنگ تا نابودي حماس و در واقع تا پاک سازي قومي در نوار غزه است. از اين نقطه نظر حمله به سران حماس و در عين حال ضرب شست نشان دادن به جمهوري اسلامي که در حرف و عمل آشکارا از حماس و حزب الله و ديگر نيروهاي اسلامي منطقه حمايت مي کند يک رکن سياست جنگي دولت نتانياهو محسوب مي شود.

از سوي ديگر جنايات جنگي و نسل کشي که اين دولت در نوار غزه و عليه مردم بي گناه در اين منطقه مرتکب شده است موقعيت نتانياهو را نه تنها در افکار عمومي مردم جهان بلکه حتي در نزد دولت هاي حامی اش در غرب و ديگر احزاب حکومتي در خود اسرائيل تضعيف کرده است. هدف اقدامات تروريستي دولت اسرائيل به نحوي خنثي کردن اين فشارها نيز هست.

عملياتي مثل ترور هنيهه مي تواند نوعي قدر قدرتي دولت اسرائيل و گامي در جهت هدف اعلام شده نابودي حماس محسوب شود؛ ولي مسئله از اين فراتر است. اگر هدف صرفاً ضربه زدن به حماس بود اين ترور مي توانست در قطر در محل اقامت اسماعيل هنيهه انجام شود؛ ولي تهران انتخاب مي شود؛ چون ترور در تهران مي تواند براي دولت نتانياهو اين فايده را نيز داشته باشد که توجه ها را از جنايت در نوار غزه به روياروي با جمهوري اسلامي معطوف کند. جمهوري اسلامي براي تحت الشعاع قرار دادن جناياتش عليه مردم ايران به تنش جنگي با اسرائيل نياز دارد و دولت اسرائيل براي منحرف کردن اذهان از جناياتش عليه مردم نوار غزه. ده ماه کشتار در نوار غزه نه تنها افکار عمومي جهانيان را عليه دولت نتانياهو برانگيخته بلکه حتي باعث شده دولت هاي غربي حامی او بر آتش بس فوري و آزادي گروگان ها تأکيد کنند. در خود اسرائيل هم نتانياهو و کابينه جنگي اش با مخالفت هاي رو به گسترش از جانب مردم و حتي احزاب سابق حکومتي روبروست. اين شرايط باعث شده است که دولت نتانياهو به ماجراجويي هاي نظامي دست بزند تا موقعيت خودش در قدرت را حفظ کند.

در چنين شرايطي عملياتي نظير ترور هنيهه در تهران مي تواند تا مدتي توجه ها را از آنچه در غزه مي گذرد به تشديد تنش جنگي ميان ايران و اسرائيل منحرف کند بي آنکه واقعاً جبهه جديدي باز بشود. دولت اسرائيل مي داند و روي اين حساب مي کند که جمهوري اسلامي، چه مستقيماً و چه از طريق نيروهاي نيابتي اش نظير حزب الله، توان مقابله نظامي گسترده با ارتش اسرائيل را ندارد. در واقع درگيري هاي نظامي مقطعي که شاهد آن هستيم براي طرفين بيشتار ارزش استفاده سياسي - تبليغي دارد. يکي نمي خواهد و ديگري نمي تواند اين درگيري هاي مقطعي به يک جنگ تمام عيار تبديل کند.

بايد توجه داشت که ريشه و اساس اين شرايط جنگي تقابل دو نيروي فاشيستي مذهبي است که از تراژدي آوارگي مردم فلسطين ارتزاق مي کنند و جنايات خود را با جنايات طرف مقابل توجيه مي کنند. امروز در جهان و در خود اسرائيل مردم با خواست توقف فوري جنگ به ميدان آمده اند و در اين ميان بخصوص مردم ايران که جنبش گسترده و ادامه داري را عليه جمهوري اسلامي به پيش مي برند مي توانند نقش تعيين کننده اي در رهائي منطقه از شر اين نيروهاي ضد بشري داشته باشند.

جليل جليلي: اجازه بدهيد دوباره به جامعه ايران برگرديم. اشاره کرديد که مسئله اصلي جمهوري اسلامي مقابله با مردم ايران است. به نظر شما تأثير اين شرايط در خود جامعه ايران و در جنبش عظيمي که مردم عليه جمهوري اسلامي به پيش مي برند چيست؟ براي

اسرائيل است. شبیه آنچه بعد از حمله اسرائيل به سفارت رژيم در سوریه رخ داد. اما اين بار شايد با همراهي و فعاليت بيشتري نيروهاي نيابتي حکومت عليه اسرائيل. اين سناريو محتمل است؛ اما در اين مورد هم درگيري نظامي فراتر از آنچه تا کنون شاهد بوده ايم نخواهد بود. حماس في الحال بيشت از ده ماه است هدف حملات نظامي اسرائيل بوده است، حملاتي که بيشتري قرباني آن مردم بي گناه غزه بوده اند. حزب الله هم در لبنان و در ميان مردم آن کشور موقعيت شکننده اي دارد و قادر به فراتر رفتن از موشک پراني هاي پراکنده اي که تا کنون انجام داده نخواهد بود. هر نوع گسترش درگيري بين حزب الله و اسرائيل جنگ را به کل لبنان خواهد کشاند و کل جامعه را در مقابل حزب الله قرار خواهد داد.

در فروردين ماه امسال "انتقام سخت" جمهوري اسلامي محدود با موشک پراني اي بود که اغلب آنها هم به اسرائيل نرسيد. اين بار هم حداکثر با مشارکت بيشتري حزب الله شاهد چنين حملاتي خواهيم بود. احتمالاً يا يکي دو پاسخ طرفين مسئله به فرجام خواهد رسيد.

جليل جليلي: آيا همين موشک پراني ها خود موجب زنجيره تازه اي از اقدامات نظامي متقابل خواهد شد؟ تأثير اين امر بر شرايط سياسي در ايران چيست؟

حميد تقوايي: بله اين امکان هست و اين هم يکي از خطرات اين شرايط است. اين امکان هست که اسرائيل هم دست به پاسخ بزند و اين ادامه پيدا کند. اين وضعيت مي تواند توجه ها را از جنگ واقعي که بين مردم و جمهوري اسلامي جريان دارد منحرف کند. کلاً يک هدف حکومت از دامن زدن به اين فضاي جنگي و رجزخواني ها عليه اسرائيل اين است که اذهان را منحرف کند و صورت مسئله را تغيير بدهد. تقابل واقعي، جنگ مردم ايران عليه جمهوري اسلامي است براي سرنگون کردن حکومت. جنگي که قريب دو سال است ادامه دارد. جنبش عظيمي در ايران در حرکت است با شعار زن زندگي آزادي و با پرچم سرنگوني حکومت. در چنين شرايطي اساس سياست هاي جمهوري اسلامي اين است که جنبش انقلابي را عقب براند، صورت مسئله را عوض کند، توجه اذهان عمومي دنيا و مردم منطقه و مردم خود ايران را منحرف کند و در پناه آن به سرکوب و اعدام ها و درگيري مستقيم با مردم ايران ادامه دهد و آن را تشديد کند. حتي اگر درگيري هاي نظامي با اسرائيل مقطعي و کنترل شده باشد و يا زنجيره اي ادامه پيدا کند هدف و امر جمهوري اسلامي نهايتاً مقابله با مردم ايران است. به نظر مسئله اصلي اين است.

از اين نقطه نظر بايد تلاش کرد و از گسترش فضاي جنگ و تنش و هياهو جنگي جلوگیری کرد. دور تسلسل درگيري هاي نظامي مي تواند در خدمت جمهوري اسلامي براي تقويت موقعيت خودش به کار برود و اين به عهده ما نيروها و فعالين دست اندرکار جنبش هاي اعتراضی در خود ايران است که اين تلاش هاي جمهوري اسلامي را خنثي کنيم.

جليل جليلي: در اين شرايط دولت هاي غربي همه از خويشتن داري و کاهش تنش صحبت مي کنند و فعاليت هاي ديپلماتيک نسبتاً گسترده اي را در اين جهت شروع کرده اند. آيا اين تلاش ها مي تواند مؤثر باشد و از گسترش درگيري هاي نظامي جلوگیری کند؟

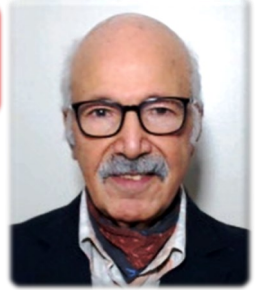
حميد تقوايي: به نظر من اين تلاش ها وقتي مي تواند به نتيجه اي برسد که راهي به جمهوري اسلامي براي لااقل تخفيف تحقيري که متحمل شده نشان بدهد. راهي که رژيم بتواند صورت خودش را با سيلي سرخ نگه دارد بي آنکه يک جنگ و يا حتي حملات نظامي ادامه داري رخ دهد. مي خواهند چنين فرمولي پيدا کنند. در موارد قبلي هم همين طور بود. به نظر من دفعه پيش هم که جمهوري اسلامي با موشک پراني حمله اسرائيل به سفارتخانه اش را پاسخ داد، تا حد زيادي دولت هاي غربي خبر داشتند، خودشان را آماده کرده بودند و به همين خاطر توانستند هم بخش عمده اي از موشک ها را قبل از رسيدن به خاک اسرائيل سرنگون کنند و هم دولت آن کشور را راضي کنند که

و به حاکمیت خود ادامه دهند. دوام و حاکمیت این رژیم از نظر مردم موفق و گذراست. عقب ماندگی و تاجر و سیستم چپاول و آدمکشی. و بی رحمی، در میان مردم این کشور جایی ندارد. مردم دست به کار این هستند که نه فقط حجاب بلکه کل این سنت‌ها و فرهنگ متحجر و مذهبی و کل این سرمایه‌داری چپاولگر را از پایه دور بریزند و جارو کنند، و جامعه و سیستمی انسانی و پیشرو را بر ویرانه‌های آن برپا دارند. واقعیت نشان می‌دهد که هرچه این جانان بیشتر جنایت می‌کنند، عملاً عزم مردم برای سرنگونی آنها بیشتر شده است. فضای جامعه گواه این واقعیت است.

یاد عزیز رضا رسایی را گرامی بداریم و نامش را همه‌جا فریاد بزنیم. خانواده و دوستان و بستگان او و همه جان‌باختگان انقلاب زن زندگی را در حلقه مهر و محبت خود قرار دهیم.

در عین حال در کنار همه خانواده‌هایی باشیم که عزیزانشان با پرونده‌سازی‌های جرائم عادی و به هر دلیلی توسط جمهوری اسلامی قربانی شده‌اند. آنها نیز باید بدانند که عزیزانشان قربانی یک سیستم غیرانسانی هستند و مرگ عزیزانشان ناعادلانه و ظالمانه بوده و مورد انزجار مردم و مخالفین پیشرو حکومت است. باید بدانیم و بگوییم که در این حکومت ظالمانه، هیچ چیز عادلانه نیست.

خشم و نفرت از اعدام و جنایات جمهوری اسلامی را به نیروی اتحاد همه مردم و مبارزه برای خلاص شدن از شر این حکومت آدمکش تبدیل کنیم. سرتاپای این جامعه را باید با خواست لغو کامل مجازات اعدام و دیگر خواست‌ها و گفتمان‌های مدرن و انسانی و پیشرو انباشته کنیم. تک‌تک مزدوران و آخوندها و دیوهای عهدعتیقی حاکم را در حلقه نفرت عمومی و در محاصره گفتمان‌ها و بحث‌ها و شعارها و خواست‌ها و مبارزات پیشرو قرار دهیم. این فضا عرصه را بر حکومتیان هرچه بیشتر تنگ خواهد کرد، روحیه‌هایشان را بیشتر خرد خواهد کرد و صفوف ما را برای خیزش‌های گسترده‌تر و کارسازتر، آماده‌تر و متحدتر خواهد نمود. ننگ و نفرت بر حکومت اعدای!



اعدام کمکی به بقای حکومت نخواهد کرد! از صفحه نخست

سیاسی، برای ارباب جامعه دست به تشدید کشتارها می‌زند و همچنین بسیاری از جرائم مطرح شده در قاموس دستگاه قضائی این حکومت، با حداقل معیارهای انسانی اساساً جرم نیست. مضافاً اینکه جامعه ناعادلانه‌ای که این حکومت رقم زده خودبه‌خود تولیدکننده ناهنجاری‌های اجتماعی است. در نتیجه قربانیان این حکومت به‌راستی صدبار بیشتر از هر جای دیگری، مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند و باید از آنها دفاع کرد.

وقتی که انسان‌های آزاده‌ای تنها به جرم دفاع از آزادی و برابری و انسانیت، توسط دستگاه قضائی این حکومت محکوم به اعدام می‌شوند و جلادان این حکومت آنها را اعدام می‌کنند، به‌خودی‌خود کافی است تا هیچ تردیدی نداشته باشیم که دیگر احکام این سیستم قضائی وحشیانه نیز ذره‌ای اعتبار ندارد. بسیاری از زندانیان جرائم عادی زیر شکنجه مجبور به اعتراف به جرم می‌شوند و بعد محکوم به زندان و اعدام می‌شوند. از این نظر این حکومت در دنیا کمتر نمونه دارد.

توسل گسترده حکومت اسلامی به اعدام اما به ادامه حیات منحوس این حکومت کمک نخواهد کرد. واقعیت نشان داده است که مردم و جنبش سرنگونی در برابر جنایات حکومت اسلامی ذره‌ای عقب ننشسته و فضای سرنگونی و اعتراض و مقابله با حکومتیان فروکش نکرده است. حکومت اسلامی از نظر مردم یک نیروی اشغالگر و بیگانه و خبیث است که باید گورش را گم کند و زن و مرد و پیر و جوان و حتی کودکان دبستانی برای سرنگونی آن تلاش می‌کنند. این حکومت جایی در این جامعه و در میان مردم ندارد. مورد نفرت تک‌تک مردم است. می‌توانند چند صبحی به حیات خود ادامه دهند اما نمی‌توانند بیش از آن برای خود فرصت بخرند

تشدید تنش‌های جنگی و موقعیت جمهوری اسلامی از صفحه ۳

خنثی کردن نتایج مخرب این فضای جنگی چه باید کرد؟

حمید تقوایی: باید دوباره تأکید کنم که نفس این تنش، نفس این که همه، از خبرگزاری‌ها و دولت‌ها تا مردم ایران، دارند از احتمال حمله نظامی جمهوری اسلامی و جنگ و عملیات‌های متقابل نظامی صحبت می‌کنند، نفس این امر می‌تواند به نفع جمهوری اسلامی تمام شود. جمهوری اسلامی تلاش می‌کند به این ترتیب فضای اعتراضی و سرنگونی طلبانه در ایران را تحت الشعاع قرار دهد. در واقع آن جنگ واقعی که در جریان است، جنگ مردم ایران علیه حکومت را به حاشیه براند و گفتمان و اذهان را منحرف کند به اینکه بین اسرائیل و جمهوری اسلامی چه اتفاقی خواهد افتاد.

تا آنجا که به مردم ایران مربوط می‌شود، مردم چنین ترفندهایی را مدت‌هاست خنثی کرده‌اند. این نوع تلاش‌های جمهوری اسلامی بیشتر باعث مزاح و طنز و تمسخر مردم علیه جمهوری اسلامی می‌شود تا مقهور و مرعوب شدن. مردم می‌دانند تا وقتی جمهوری اسلامی هست این تنش‌ها و فضای جنگی هم ادامه خواهد داشت. زمانی در رابطه با آمریکا این فضا و تنش جنگی مطرح بود و الان در رابطه با اسرائیل این بحث مطرح است. جمهوری اسلامی همیشه از این شرایط جنگی و پر تنش ارتزاق کرده است. تلاش می‌کند از این طریق موجودیت خودش را به‌عنوان یک نیروی مقابله با شیطان بزرگ و نیروی اصلی جنبش اسلام سیاسی علیه غرب و اسرائیل توجیه و تحکیم کند. اما این در خود ایران و در میان مردم ایران خریداری ندارد. ملت‌هاست دست حکومت رو شده و مردم بارها اعلام کردند که دشمن ما همین جاست، ما علیه جمهوری اسلامی می‌جنگیم.

این بار هم به نظر من تا آنجا که به چه باید کرد مربوط می‌شود راه خنثی کردن این سیاست این است که مردم بر مبارزات خودشان و خواست‌های انقلابی و بر حق خودشان پافشاری کنند، در برابر این فضای جنگی مبارزات خودشان را دنبال کند و اعتراضات علیه جمهوری اسلامی را گسترش بدهند. جامعه به هیچ‌وجه نباید حتی منتظر بماند تا این اپیزود اخیر سپری شود.

دفعات قبل هم وقفه‌ای در اعتراضات مردم ایجاد نشد. یادآوری می‌کنم که در همان فردای روز حمله موشکی رژیم به اسرائیل بزرگ‌ترین تجمع اعتراضی بازنشستگان در تهران برگزار شد که یکی از شعارها و خواسته‌هایش ختم این فضای جنگی و ماجراجویی‌های جنگی رژیم بود. این بار هم باید به همین شکل تعرض کرد. همانطور که بالاتر اشاره کردم ترور اسماعیل هنیه و پیامدهای آن فی الحال تبدیل شده به مضمون طنز مردم و تعرض مردم به حکومتی که با ضد اسرائیلی‌گری و رجزخوانی‌های جنگی و تنش منطقه‌ای می‌خواهد خودش را در قدرت حفظ کند. مردم این را می‌دانند و این آگاهی باید و می‌تواند به گسترش مبارزه و اعتراضات توده‌ای علیه رژیم منجر بشود. رژیم تلاش خواهد کرد تا در سایه این شرایط پرتنش سیاست‌های سرکوبگرانه و دستگیری‌ها و اعدام‌ها را گسترش بدهد. راه خنثی کردن این تلاش‌های جنایت کارانه نیز تعرض بیشتر به حکومت است. به زیر کشیدن جمهوری اسلامی تنها راه خلاصی نه‌تنها مردم ایران بلکه مردم کل منطقه از شر نیروهای فاشیستی در دو سوی این تقابل نظامی است.

۱۷ مرداد ۱۴۰۳، ۷ اوت ۲۰۲۴

کارزار حمایت از شریفه محمدی شماره ۱۰

کارزار حمایت از شریفه محمدی، پخشان عزیزی و سایر محکومین به اعدام

بازنشستگان با شعار شریفه محمدی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد از شریفه و کارگران زندانی حمایت کردند.

"زنان مبارز و انقلابی کردستان" نیز در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن احکام بغی برای شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری اعلام کرده‌اند که ما زنان آزاده و مبارز کردستان صدور حکم ناعادلانه و غیرانسانی بغی (اعدام) برای شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری را شدیداً محکوم کرده و خواهان لغو سریع آنها هستیم. از عموم مردم معترض، از کارگران و فعالین کارگری، از زنان معترض، جوانان و دانشجویان و همه مردم آزاده می‌خواهیم در برابر احکام شنیع و ضدانسانی اعدام‌ها که در حقیقت قتل عمد حکومتی است ساکت ننشینند و برای لغو احکام اعدام و آزادی بی‌قیدوشرط شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری و سایر محکومین به اعدام بایستیم و صدای آنها باشیم. طناب دار و اعدام و سرکوب ضامن بقای حکومت‌های استبدادی نبوده و نخواهد بود."

در شهر گوتنبرگ سوئد روز ۱۴ مرداد تجمعی علیه اعدام‌ها در ایران صورت گرفت. تجمع‌کنندگان پوسته‌های متعددی از شریفه محمدی در دست داشتند، مجازات اعدام، این قتل عمد حکومتی و احکام اعدام علیه شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و سایر احکام اعدام را شدیداً محکوم کردند.

از طرف تعداد قابل‌توجهی از دانشجویان در سراسر ایران، فراخوانی علیه اعدام‌ها منتشر شده و از احزاب، تشکل‌ها و فعالین در خارج کشور خواسته شده که روزهای ۱۰ و ۱۱ اوت (۲۰ و ۲۱ مرداد) در سراسر جهان دست به تجمع بزنند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری، کارزار جهانی علیه اعدام، شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران و برخی دیگر از تشکل‌ها نیز فراخوان‌های مشابهی برای تجمعات در سراسر جهان علیه اعدام منتشر کرده‌اند.

لازم به توضیح است که ۳۷ زندانی سیاسی زن در زندان لاکان رشت که در اعتراض به حکم اعدام پخشان عزیزی و علیه سایر احکام دست به تحصن زده بودند ممنوع‌الملاقات شده‌اند.

زندانیان سیاسی مرد در زندان لاکان رشت به سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام‌ها پیوستند و بدین ترتیب تعداد زندان‌هایی که در سه‌شنبه‌های اعتراض شرکت دارند به ۱۹ رسید.

زنده‌باد جنبش علیه اعدام

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ مرداد ۱۴۰۳، ۵ اوت ۲۰۲۴



۳۱ سازمان مدافع حقوق بشر از ایران و کشورهای دیگر به حکم اعدام علیه شریفه محمدی اعتراض کرده و خواهان لغو فوری و بی‌قیدوشرط کلیه اتهامات وارده بر او شدند. در این بیانیه از مقامات جمهوری اسلامی خواسته شده که به آزار و اذیت سیستماتیک زنان مدافع حقوق بشر پایان داده و از صدور احکام اعدام خودداری کنند.

در این بیانیه از همه فمینیست‌ها و زنان مدافع حقوق بشر و سازمان‌هایشان در سراسر جهان، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، خواسته شده که در همبستگی با شریفه از مقامات جمهوری اسلامی بخواهند:

- فوراً و بدون قیدوشرط حکم اعدام شریفه محمدی را ملغی و سایر اتهامات علیه او را لغو کنند.

- به آزار و اذیت سیستماتیک زنان مدافع حقوق بشر پایان دهند.

- به استفاده از مجازات اعدام که اغلب برای ایجاد رعب و وحشت در میان مخالفان حکومت است پایان دهند. پنج تشکل کارگری، سندیکا کارگران نیشکر هفت‌تپه، بیدارزنی، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و کارگران بازنشسته خوزستان در بیانیه مشترکی در روز ۱۳ مرداد تحت عنوان "به یاری شریفه محمدی، پخشان عزیزی و سایر محکومین به اعدام برخیزیم" ضمن اشاره به پرونده‌سازی جعلی علیه شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری نوشته‌اند: "فشارهای حکومت و قوه قضائیه، علیه فعالان کارگری و مدنی، البته تنها به این موارد محدود نمی‌شود. این فشارها به‌ویژه بعد از جنبش "زن، زندگی، آزادی" تشدید شده به مراحل حادثی رسیده است. تا آن جا که فقط طی چند هفته اخیر تعدادی از فعالین حقوق زنان، در استان گیلان را که برای احقاق حقوق زنان، تلاش و فعالیت می‌کردند بازداشت کرده و به حبس‌های طولانی‌مدت (در مجموع به ۶۰ سال زندان) محکوم نمودند. صدور حکم اعدام برای پخشان عزیزی، پس از محکومیت شریفه محمدی و انتساب اتهام بغی به وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری تلاشی است از جانب حکومت و قوه قضائیه، برای تشدید فشار علیه کارگران، معلمان، زنان، بازنشستگان، دانشجویان، ملت‌های تحت ستم و خانواده‌های دادخواه که سال‌هاست از راه‌های گوناگون دنبال شده و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. در واقع حکومت و قوه قضائیه در صددند تا برای ایجاد فضای ترس و وحشت در جامعه و در بین فعالین، همچنان جان‌های بیشتری را بگیرند و انسان‌های زیادی را قربانی کنند. ما ضمن محکوم کردن احکام ناعادلانه و بغایت ظالمانه اعدام شریفه محمدی و پخشان عزیزی، خواهان نقض احکام غیرانسانی اعدام این عزیزان و آزادی هرچه سریع‌تر آنها از زندان هستیم. آنها جانشان در معرض خطر جدی است. به هر طریق که می‌توانیم صدایشان باشیم و به یاری آنها بشتابیم.

انجمن قلم فرانسه با حمایت از «جنبش زن، زندگی، آزادی» خواستار لغو حکم اعدام پخشان عزیزی روزنامه‌نگار و فعال مدنی زندانی در ایران شد. این انجمن ضمن اشاره به زندانیان سیاسی، به‌ویژه روزنامه‌نگاران زندانی در ایران خواستار لغو اعدام و آزادی پخشان عزیزی شد که در هفته‌های اخیر پس از شریفه محمدی، فعال کارگری زندانی، به اتهام «بغی» به اعدام محکوم شده است.

بازنشستگان کرمانشاه روز ۱۴ مرداد با شعارهای: شریفه محمدی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد، از شریفه محمدی و معلمان زندانی حمایت کردند.

روز یکشنبه ۱۴ مرداد علی نجاتی کارگر بازنشسته نیشکر هفت‌تپه در تجمع بازنشستگان علیه حکم شریفه محمدی سخنرانی کرد و

نان گران شد، فقر، فساد، گرانی، میریم تا سرنگونی



شهرلا دانشفر

رسانه‌های دولتی از افزایش ۲۵ درصدی قیمت نان حداقل در ده شهر در سطح کشور خبر می‌دهند و افزایش قیمت انواع نان در همین مدت نشان می‌دهد که نرخ واقعی این افزایش حتی بیشتر از این‌هاست و این ۲۵ درصد افزایش اعلام شده، متوسط افزایش قیمت نان است و برخی از انواع نان تا حدود ۴۰ درصد نیز افزایش یافته است.

گران شدن نان شوک مصرفی دیگری بر زندگی بخش عظیمی از جامعه وارد می‌کند. البته موضوع گرانی‌ها جدید نیست. اخیراً هم اعلام شد که ۴۸۵ قلم از کالاهای معیشتی مردم از دایره ارز ترجیحی خارج می‌ماند و خود حکومتیان در دل نزاع‌هایشان اعلام کردند که این اقدام، افزایش پنجاه درصدی قیمت‌ها را در پی خواهد داشت و در همین مدت ما با گران‌تر شدن قیمت نان، برق، گاز، آب و اساسی‌ترین اقلام معیشتی مردم روبرو بوده‌ایم. از جمله اجاره مسکن سرسام‌آور بالا رفته است. الان هم بحث بر سر افزایش ۲۵ درصدی قیمت نان است و ما می‌دانیم بنا بر قانون بازار وقتی قیمت کالایی گران می‌شود زنجیره‌ای و به صورت مستقیم بر روی افزایش قیمت دیگر اجناس ضروری و حیاتی مردم تأثیر دارد و جالب اینجاست که در این بازار مکاره روزبه‌روز قیمت همه اجناس گران می‌شود به جز قیمت دستمزد که هر روز ارزش آن کمتر می‌شود و این خود بیان مستقیم استثمار حداکثری کارگران و ۹۹ درصدی‌های جامعه است. بدین ترتیب در نتیجه این تعرض معیشتی فقر و فلاکت در جامعه ابعاد فاجعه‌بارتری پیدا خواهد کرد و آخرین لقمه نان از سفره فقیر مردم ربوده می‌شود.

روشن است که این بازی با آتش است و اجرایی کردن این سیاست بدون شک بر خشم و نفرت مردم بیشتر دامن زده و در متن فضای انقلابی جامعه با پاسخ سیاسی و تعرضی جامعه جواب خواهد گرفت. به‌ویژه اینکه جامعه ایران جامعه‌ای نیست که در برابر تعرضات معیشتی حکومت سکوت کند و یا به‌خاطر فقر و نابسامانی معیشتی دست روی دست بگذارد و مستأصل شود. همین امروز یک عرصه مهم مبارزه مردم، مبارزه برای داشتن زندگی‌ای بهتر و در دفاع از معیشت است. مردم نه فقط علیه فقر و گرانی مبارزه می‌کنند؛ بلکه به تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و کل بساط دزدسالار حاکم معترض‌اند. همین‌الان به جامعه نگاه کنید فوج جمعیت معترض کارگران و آگان پارس در خیابان‌های اراک با شعار "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" دارد همین اعتراض را بیان می‌کند و یا اعتراضات گسترده پرستاران را در همین هفته در شهرهای مختلف بر سر معیشت و مطالبات اعلام‌شده‌شان داشتیم. اعتراضاتی که ادامه دارد. همچنین بخش‌های مختلف بازنشستگان در کنار یکدیگر در شهرهای مختلف علیه فقر و فساد و بی‌تامینی در روزهای مختلف هفته در اعتراض‌اند و با فریاد شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" کل جامعه را به اعتراض متحدانه در دفاع از زندگی و معیشتشان فرا می‌خوانند. در نفت نیز اعتراضات گسترده است و اعتصابات هزاران کارگران نفت ادامه دارد. البته حکومت نیز خود بر خط‌بر بودن وضعیت واقف است. مرتب از در پیش بودن "فتنه‌های دیگر" یعنی ادامه انقلاب در ابعادی قوی‌تر به یکدیگر هشدار می‌دهند. از همین رو حکومت با ابزار سرکوب و اعدام می‌کوشد تا جایی که می‌تواند از وخامت اوضاع بکاهد. اما در برابر، ما شاهد یک جنبش مردمی، اجتماعی و قدرتمند علیه اعدام‌ها و سرکوبگری‌های

حکومت هستیم. جنبشی که یکسر آن در زندان‌ها و سر دیگرش در میان بخش‌های مختلف جامعه است و ابعادی جهانی دارد.

شرایطی که نان را گران کردند

رژیم اسلامی در طول سی و شش سال تلاش کرده است تا با تحمیل دستمزدهای چند بار زیر خط فقر، تحمیل قراردادهای موقت کاری، بیکارسازی‌ها و محرومیت مردم از هرگونه تأمین بار بحران اقتصادی‌اش به دوش مردم بیندازد، تا برای خود بقا بخرد. در همین راستا تحت عنوان طرح "هدفمند کردن یارانه‌ها" چندرغاز سوبسیدهایی که به کالاهای اساسی موردنیاز تعلق می‌گرفت که از زمان دولت رفسنجانی زمینه‌چینی‌هایش شد و سوت آغازش را احمدی‌نژاد زد و دولت‌های بعدی هم ادامه‌گرش بودند، تعرضات گسترده‌ای به معیشت مردم شد. الان هم دارند همین سیاست را دنبال می‌کنند و برای مثال گفته محمد جلال مشاور وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه ۷۵ تا ۸۰ درصد نرخ نان را دولت تأمین می‌کند و مردم فقط پانزده تا بیست درصد قیمت تمام شده آن را می‌پردازند بر همین نکته اشاره می‌کند. در ادامه این سیاست چپاولگرانه است که جانان اسلامی جامعه را تا به امروز به چنین سطحی از فقر و تباهی کشانده‌اند.

نکته مهم اینجاست که امروز تعرضات معیشتی حکومت بر جامعه در شرایط سیاسی متفاوتی صورت می‌گیرد. اقتصاد اسلامی داغان و به ته خط رسیده است. این حکومت هم از نظر اقتصادی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر فرهنگی و از هر نظر شکست خورده است. یک حکومت مافیایی، دزد، و چپاولگر که برای بقای خودش و برای پرور کردن نیروهای سرکوبش همواره مردم را می‌دوشد.

بحران اقتصادی این حکومت همانطور که همیشه تأکید کرده‌ایم کاملاً ریشه سیاسی دارد. ما دیدیم که بعد از کشته شدن اسماعیل هنیه این تروریست جنایت‌کار چگونه نرخ ارزش ریال پایین آمد و بورس سقوط کرد و قیمت‌ها یکباره افزایش پیدا کرد. آتش‌افروزی‌های حکومت در منطقه و از طرفی محاصره آن در حلقه اعتراضات مردمی برای دفاع از زندگی و معیشتشان فروپاشی بیشتر و وضعیت بی‌ثبات‌تر اقتصاد جمهوری اسلامی را به دنبال داشته است. در این میان جمهوری اسلامی از یک سو تلاش می‌کند توجه جامعه را که از اعتراض می‌جوشد به مسائلی چون تبلیغات جنگی علیه اسرائیل و غیره بکشاند و از سوی دیگر، بار بحران اقتصادی‌اش را و هزینه‌های سرکوبگری‌ها و سیاست‌های تروریستی خود را بر گردن مردم سوار کند.

در چنین مخمصه و استیصالی است که حکومت اسلامی، فشار و تهاجمش را بر زندگی و معیشت مردم تشدید کرده است و در چنین شرایطی است که قیمت نان افزایش می‌یابد. رژیم اسلامی از یک سو قیمت نان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر بر ماشین سرکوب و جنایتش شتاب می‌دهد تا مبادا کنترل اوضاع از دست‌شان بیشتر خارج شود. اما همه می‌دانیم که اتخاذ چنین سیاستی در فضای انقلابی جامعه تقابل مردم با حکومت را شدت بیشتری خواهد داد.

گرانی نان و پاسخ مردم

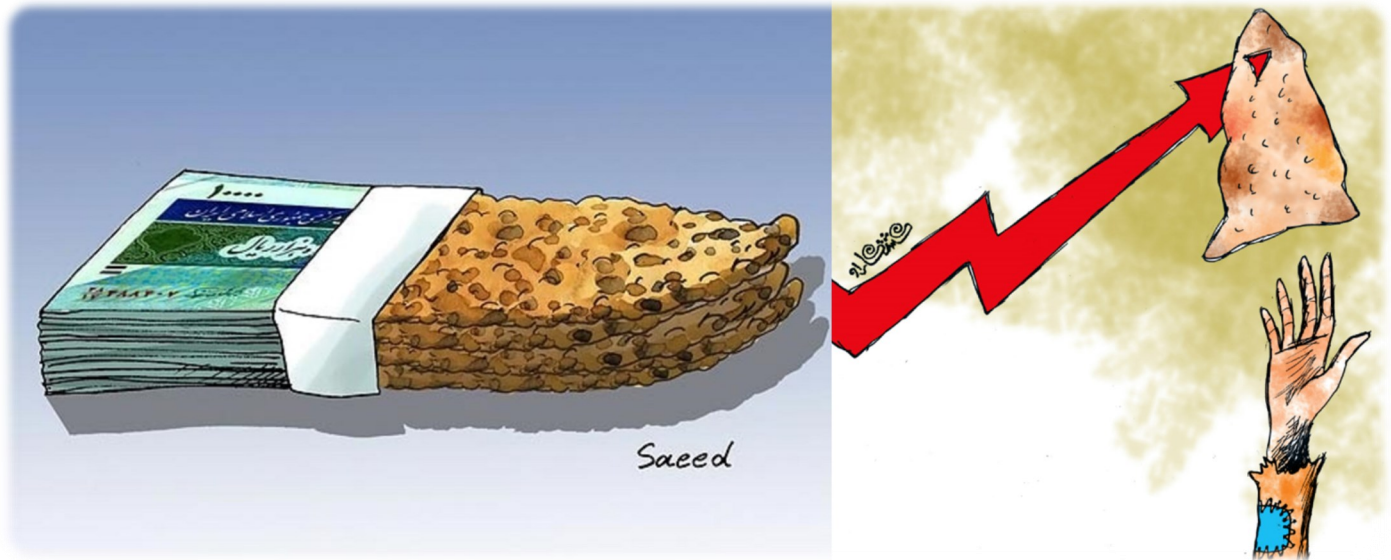
پاسخ ما مردم تداوم انقلاب است. همه کس از ادامه قدرتمندتر انقلاب در چشم‌انداز نزدیک سخن می‌گویند. این را در اظهارات خود حکومتیان می‌شود دید. در شعارهای اعتراضی هر روز مردم در کف خیابان‌ها و در سخنرانی‌های

نان گران شد، فقر، فساد، گرانی، میریم تا سرنگونی
از صفحه ۶

بالاخره پاسخ اتحاد طبقاتی کارگران شاغل و بازنشسته بر سر معیشت است. از جمله بازنشستگان یک سنگر مهم انقلاب زن زندگی آزادی هستند و اعتراضات مشترک آنها و حمایت و همبستگی اجتماعی از مبارزات آنان یک قدم مهم در قوام بخشیدن به تداوم مبارزات این بخش معترض جامعه است. همچنین از اعتراضات از نوع اعتصابات گسترده و هزاران نفره در نفت این مرکز کلیدی در اقتصاد کشور و اعتصاب ادامه‌دار کارگران واگن پارس که شهر اراک را به تحرک درآورده وسیعاً حمایت کرد. اعتراضات چینی بستر سراسری شدن اعتصابات و حضور قدرتمندتر کارگری را فراهم‌تر می‌کند و توازن قوا را برای شکل‌گیری تجمعات بزرگ خیابانی آماده‌تر می‌کند. به‌علاوه اینکه همه‌جا باید صف‌های خرید نان و اقلام دیگر معیشتی را به صف اعتراض خود تبدیل کرد. باید حکومت اسلامی را در حلقه تنگ‌تر مبارزات خود قرار دهیم. جمهوری اسلامی با کل بساط استثمار و غارتگری و سرکوب و جنایتش باید گورش را گم کند و برود.

پرشور و بیانیه‌های اعتراضی‌شان می‌شود دید. این را در اعتراضات درون زندان با فریاد زن زندگی آزادی و علیه سرکوبگری‌ها و بساط اعدام حکومت می‌شود دید و این را در شجاعت زنان برای حفظ خاکریز فتح شده حجاب و جنگ جامعه بر سر حجاب این پرچم حکومت آپارتاید جنسی حاکم می‌شود دید.

پاسخ این شرایط اعتراضات گسترده کارگران و کل جامعه است. پاسخ این شرایط مبارزه متحد علیه بساط سرکوب و اعدام و هموارکردن مسیر پیشروی انقلاب است. پاسخ اتحاد مبارزاتی مردم حول خواست‌های رادیکال و انسانی از نوع مطالبات حداقلی منشور بیست تشکل است و



در همه‌جا سیستم سرمایه‌داری سیستم فقیر سازی مداوم کارگران است. کارگر در سیستم سرمایه‌داری مدام فقیرتر می‌شود. کارگر با کارش حداکثر هزینه زنده‌ماندنش را تأمین می‌کند. این یک حقیقت و یک واقعیت بسیار جدی در نظام سرمایه‌داری است که در سراسر جهان امروز قابل مشاهده است. رشد عظیم و باورنکردنی تکنولوژی و باور آوری کار که نسبت به قبل صدها برابر افزایش یافته یک‌دوره به بالا رفتن سهم کارگر از تولید نینجامیده است. مزد کارگر همه‌جا همچنان حداکثر در حدی است که کفاف زنده‌ماندن او و خانواده‌اش را می‌دهد. ساعات کارگران علی‌رغم جدال‌های بسیار همچنان عملاً بالاست. کارگران ظاهراً در اکثر کشورها هشت ساعت کار می‌کنند. این هم با جنگ و جدل‌های بسیار به صورت قانون درآمده. اما عملاً حتی در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری کارگران برای اینکه کمی بهتر از حد بخورونمیر سهم ببرند مجبورند ده ساعت و دوازده ساعت و بیشتر در روز کار کنند. اضافه‌کاری جزء جدایی‌ناپذیری از سیستم کار کارگران است.

(سرمایه‌داری را بشناسیم، کاظم نیکخواه)

قاتلان رضای را راحت نخواهیم گذاشت!

زندانیان سیاسی زن در اوین چندی پیش فریاد زدند: "تا لغو حکم اعدام ایستاده‌ایم تا پایان، نه سرکوب نه اعدام دیگر اثر ندارد، جمهوری اعدای یک خواب خوش ندارد". بازنشستگان نیز در خیابان‌های شهرهای مختلف بارها با فریاد "زندان شکنجه اعدام نیست جلودار ما" فریاد خود را علیه اعدام بلند کرده‌اند. این شعارها را همه‌جا، در همه تجمعات، در همه بیانیه‌ها و فراخوان‌ها فریاد بزینیم و اعلام کنیم که با تمام قوا علیه سایر احکام اعدام از جمله احکام اعدام شریفه محمدی و پخشان رضایی می‌ایستیم و جنبش علیه اعدام را هرچه بیشتر تقویت می‌کنیم. زندانیان در ۱۹ زندان به سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام پیوسته‌اند.

یاد رضای را گرامی می‌داریم و مبارزه علیه اعدام و حکومت اعدام را گسترش می‌دهیم. در روزهای ۱۰ و ۱۱ اوت، روزهای جهانی علیه اعدام که توسط دانشجویان اعلام شده و تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری، کارزار جهانی علیه اعدام، شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران، شبکه ندا و برخی دیگر از تشکل‌ها نیز فراخوان‌های مشابهی برای تجمعات این دو روز منتشر کرده‌اند را در نقاط مختلف جهان هر چه گسترده‌تر به میدان می‌آییم و هزینه اعدام را برای حکومت قاتلان اسلامی بیشتر می‌کنیم. اعدام قتل عمد حکومتی است و همراه با حکومت اعدای باید به گورستان تاریخ سپرده شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مرداد ۱۴۰۳، ۶ اوت ۲۰۲۴

رضای رضایی، جوان ۳۴ ساله و از بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی را حکومت آدمکش اسلامی پس از حدود دو سال زندان و شکنجه، سحرگاه امروز ۱۶ مرداد در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه به دار آویخت. ننگ و نفرت بر حکومت منفور اسلامی!

رضای رضایی را به مباشرت در قتل عمد نادر بیرامی، رئیس اطلاعات سپاه پاسداران شهرستان صحنه متهم کردند، زیر شکنجه از او اعتراف گرفتند و مهرماه سال قبل به اعدام محکوم کردند و امروز این حکم وحشیانه را بدون اطلاع قبلی به خانواده و بدون ملاقات آخر با خانواده اجرایی کردند. قاتلان از ترس اینکه آرامگاه او به محل تجمع و بزرگداشت توسط مردم تبدیل شود اجازه ندادند در صحنه، شهر محل زندگی خانواده‌اش، دفن شود. رضا در قبرستان دورافتاده میناآباد کرمانشاه با حضور تعدادی مأمور امنیتی و بدون اینکه به مردم اجازه حضور پیدا کنند به خاک سپرده شد.

در فضای جنگی میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل و در فضای پس از انتخابات کذابی که شکست بزرگی برای حاکمین اسلامی بود و درحالی که حکومت به شدت نگران برآمد اعتراضات سراسری است، تلاش می‌کند توجه مردم را به تنش با اسرائیل سوق بدهد و از طرفی اعدام و سرکوب را گسترش دهد و برای خود زمان بخرد. این سیاست را باید ناکام گذاشت. نباید اجازه بدهیم فضای جنگی میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل، فضای اعتراضی مان را تحت الشعاع قرار دهد. مبارزه علیه اعدام و حکومت اعدام را باید با تمام قوا در داخل و خارج کشور گسترش دهیم.



اعدام، قتل عمد دولتی است!

شکست وعده "خون خواهی خامنه‌ای" برای هنیه تروریست!



محمد شکوهی

از روز چهارشنبه، ۳۱ ژوئیه که اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی گروه تروریستی حماس در تهران کشته شد، خامنه‌ای و سران و مقامات ریزودرشت حکومت وعده انتقام گرفتن از اسرائیل را داده و کلی تبلیغات در دفاع از اقدام تلافی‌جویانه به راه انداختند. خامنه‌ای در واکنش به این موضوع در سخنرانی‌اش صحبت از "خون خواهی هنیه" کرد و کل نظام روی این موج سوار شد. گروه‌های نیابتی رژیم همراه و پشت این صحبت خامنه‌ای به خط شدند، تا در فرصت مناسب پروژۀ خون خواهی‌شان را به پیش ببرند.

کشته شدن هنیه فرصتی برای جمهوری اسلامی و کوبیدن بر طبل تبلیغات جنگی "محور مقاومت" علیه اسرائیل شد که هنوز ادامه دارد. حکومت جلسات متعددی با گروه‌های نیابتی‌اش برای هماهنگی در حمله به اسرائیل برگزار کرده و مشغول سازماندهی اقدام برای "خون خواهی هنیه" است. متقابلاً آمریکا و متحدانش و کشورهای منطقه خاورمیانه هم تلاش‌هایی برای اعمال فشار به ایران به بهانه جلوگیری از خطر گسترش جنگ، در دستور خود دارند، تا شاید رژیم را مجاب کرده تا از حمله به اسرائیل منصرف شود. در این میان اسرائیل هم مدام تهدید به پاسخ کوبنده علیه رژیم می‌کند.

در تحولی دیگر گروه‌های نیابتی رژیم از حزب‌الله لبنان و حماس گرفته تا حوثی‌ها و تمام دار و دسته‌های تروریستی مورد حمایت رژیم، فعلاً دست به اقدامات نظامی چندان مهمی علیه اسرائیل نزده‌اند. موشک‌پرانی‌های اینها در لبنان علیه اسرائیل ادامه دارد و همین و بس. در این میان حسن نصرالله روز پنجشنبه این هفته تأکید کرد که جریان وی جدا از ایران اقداماتی را در دستور خواهد گذاشت.

آنچه مشخص است فشارهای جهانی به رژیم و متعاقب آن "توصیه‌های" رژیم به دار و دسته‌های تروریست نیابتی‌اش از دست‌نزدن به اقدام نسنجیده موردنظر خامنه‌ای، در طول این ده روز گذشته، نتیجه‌اش این شده که حکومت ترسیده و تا همین‌جا از دست‌نزدن به اقدام نظامی وعده داده شده و عریده کشتی‌های خون خواهی برای هنیه، فعلاً نتوانسته کاری بکند. این خود نشان از نگرانی‌های رژیم و شخص خامنه‌ای، ترس و وحشت از گسترش جنگ و حمله گسترده اسرائیل بر علیه رژیم است که می‌تواند عواقب بسیار خطرناکی برای رژیم داشته باشد.

سیاست جمهوری اسلامی در ده روز گذشته توجیه و تهدید همراه با خرید فرصت برای پاسخگویی به کشتن هنیه و حمله به اسرائیل بوده است. سیاستی که حدود یک هفته پیش به نظر می‌رسید حکومت در صدد عملی کردن تهدید خون خواهی هنیه باشد، الان مشمول مرور زمان شده است. در این میان موشک‌پرانی‌های حزب‌الله و حماس و دارودسته‌های مورد حمایت رژیم کماکان علیه اهداف اسرائیلی در مرز لبنان و غزه ادامه دارد.

خون خواهی هنیه وبال گردن رژیم شده است و تا به امروز به هر دلیلی نتوانسته است دست به اقدام نظامی مستقیم علیه اسرائیل بزند. دلایل و زمینه‌های این سیاست انتظاری که رژیم در مورد عملی کردن تهدید خون خواهی هنیه در پیش گرفته کاملاً معلوم است. اما در کنار این وضعیتی که در منطقه وجود دارد و به‌ویژه نگرانی‌های رژیم از عواقب و نتایج حمله اسرائیل، در داخل خود حکومت هم اختلافاتی پیرامون نحوه و چگونگی پاسخ رژیم به اسرائیل شکل گرفته که نشان می‌دهد این بار خامنه‌ای خیلی ترسیده و باتوجه‌به وضعیت صفوف حکومت، و

موقعیت بسیار شکننده‌اش در برابر مردم، دست‌به‌عصا شده و وانمود می‌کند که دارد "نظرات همه سران نظام" را پیرامون پاسخ مقتضی رژیم به اسرائیل را می‌شنود تا تصمیمی با اجماع عمومی سران نظام بگیرد! نفس درپیش گرفتن چنین سیاستی از طرف خامنه‌ای گویای ترس و وحشت و حال‌پوروز زار رژیم است که عملاً تا همین امروز از دست‌نزدن به هر اقدام ماجراجویانه برای خون خواهی هنیه، خودداری بکند. خامنه‌ای عملاً و فعلاً سیاست "صبر و انتظار" را در دست‌نزدن به اقدام نظامی علیه اسرائیل در پیش گرفته است. اینکه در روزهای آینده اوضاع به چه طرفی خواهد رفت، پاسخ خون خواهی موردنظر خامنه‌ای چه شکلی و در چه ابعادی خواهد بود، هنوز معلوم نیست. اما نگاهی به برخی اظهارنظرهای مقامات حکومت که تصویری از نگرانی‌ها، ترس و وحشت رژیم از حمله اسرائیل به ایران و عواقب ویران‌کننده آن برای جمهوری اسلامی به دست می‌دهد، بیندازیم که گویای وضعیت سردرگمی و درهم‌ریختگی صفوف حکومت است:

* پزشک‌های در دیدار با دبیر شورای امنیت ملی روسیه گفته است: "ایران به دنبال جنگ نیست؛ اما رژیم صهیونیستی پاسخ جنایات خود را دریافت خواهد کرد".

* علی سعیدی، رئیس دفتر عقیدتی - سیاسی فرماندهی کل قوای جمهوری اسلامی گفته است: "جنگیدن مصلحت ما نیست. در برابر جبهه کفر سه راه داریم؛ بجنگیم، تسلیم شویم یا مقاومت کنیم. راهبرد مقاومت فعال راه ما برای مقابله با جبهه کفر است، راهبرد خامنه‌ای برای جهان اسلام و ملت‌های مسلمان هم همین است.

* ایرنا: سفیر و نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل روز چهارشنبه هفته گذشته در پاسخ به سؤالاتی درباره اینکه حماس اعلام کرده که اگر به آتش بس برسند، آیا ایران از پاسخ علیه رژیم منصرف می‌شود، اعلام کرد: «ما به صورت هم‌زمان دو اولویت را دنبال کرده‌ایم: اول، برقراری آتش بس پایدار در غزه و خروج اشغالگران از این سرزمین؛ دوم، مجازات متجاوز به‌خاطر ترور هنیه، پیشگیری از تکرار تجاوزات تروریستی رژیم صهیونیستی و پشیمان کردن صهیونیست‌ها از ورود به چنین مسیری!

* روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: در اینکه ترور اسماعیل هنیه، اهانت بزرگی به ایران بود تردیدی نیست و در اینکه باید انتقام این جنایت گرفته شود نیز تردیدی وجود ندارد، اما مهم‌تر از این‌ها این است که چگونه این انتقام گرفته شود که اولاً واقعاً انتقام باشد و ثانیاً در دامی که برای ما پهن کرده‌اند نیفتیم.

* بر اساس خبر شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال پزشک‌های در دیداری با علی خامنه‌ای از او خواسته از حمله مستقیم به اسرائیل ممانعت کند تا از تشدید درگیری به جنگی ناخواسته که می‌تواند ریاست جمهوری پزشک‌های را دچار مشکلات جدی کند و به شروعی بسیار منفی بینجامد، جلوگیری شود. وی هشدار داده احتمال تلافی شدید اسرائیل علیه زیرساخت‌های ایران و منابع انرژی کشور وجود دارد که می‌تواند اقتصاد ایران را فلج کند و باعث فروپاشی شود!

* شبکه سی‌ان‌ان گزارش داد که احتمالاً حزب‌الله لبنان خود به طور مستقل و پیش از حمله ایران به اسرائیل حمله خواهد کرد.

* آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده، گفته است کشورش پیامی را با این مضمون به ایران و اسرائیل انتقال داده است که منازعه در خاورمیانه، نباید تشدید شود. وی روز ۱۶ مرداد گفت توافق آتش بس در غزه به مرحله نهایی رسیده و فقط تنش‌های موجود میان اسرائیل و جمهوری اسلامی این توافق را تهدید می‌کند.

شکست وعده "خون‌خواهی خامنه‌ای" برای هنیه تروریست!

از صفحه ۹

* در جریان سفر شویگو دبیر شورای امنیت کنونی این کشور به ایران، پوتین در نامه‌ای به خامنه‌ای خواستار "پاسخ محتاطانه" ایران شده است.

لازم به یادآوری است خامنه‌ای در طول هفته گذشته در مورد خون‌خواهی هنیه سکوت کرده و به دنبال پیدا کردن راهی برای توجیه شکست تبلیغات جنگی‌اش و بی‌عملی تا کنونی‌اش است. آن تصویر مخابره شده از نگاه‌های خامنه‌ای به آسمان در جریان مراسم نمازخوانی‌اش برای هنیه، تصویر واقعی ترس و وحشت وی بود که نشان داد که وی و به عبارتی کل نظامش در چه وضعیتی است.

این اظهارنظرهای متفاوت و بخشاً متناقض مقامات حکومت در کنار سیاست انتظار که خامنه‌ای در پیش گرفته است، شواهدی دال بر ترس و نگرانی خامنه‌ای و به عقب انداختن وعده خون‌خواهی هنیه حداقل در این ده روز گذشته بوده است. اینکه حکومت دست به اقدام نظامی محدود و مهار شده و ترجیحاً توسط گروه‌های نیابتی‌اش در لبنان و غزه و عراق و یمن خواهد زد، محتمل‌ترین سناریو است. در صورت عملی شدن این سناریوی محتمل، بدین ترتیب خامنه‌ای هم از آغاز و گسترش جنگ و حمله مستقیم اسرائیل به ایران و عواقب آن برای حکومتش به دور می‌ماند و هم با سیلی صورتش را سرخ نگه می‌دارد. آن طرف‌تر گروه‌های نیابتی را هم راضی نگه می‌دارد که مثل دهه‌های گذشته "در محور مقاومت" مشغول موشک‌پرانی علیه اسرائیل شوند. در همین حال با بالاگرفتن احتمال برقراری آتش‌بس در غزه که الان دیگر خواست رسمی خامنه‌ای هم هست، ادعای "قدر قدرتی" و تحمیل پایان جنگ به اسرائیل در غزه را به‌عنوان پیروزی "جبهه مقاومت و فلسطین و حماس"، به اسم خودش کرده و صفوف گروه‌های نیابتی‌اش در منطقه را سروسامان داده، حماس و دار و دسته‌های تروریستی را در ادامه جنگشان بر علیه اسرائیل در جبهه‌های همیشگی‌اش به خط نماید.

در کنار موضوع خون‌خواهی هنیه، و خطرات ناشی از اثرات و تبعات کشنده جنگ و حمله اسرائیل به ایران که می‌تواند برای کل نظام خطرآفرین باشد، یک مسئله مهم و مبرم خامنه‌ای وضعیت بحرانی صفوف حکومت است که هر روز سر هر مسئله‌ای دچار تشدد و چنددستگی‌های جدید می‌شود. مهندسی پایان‌دادن به اختلافات باندهای حکومتی حول محور خامنه‌ای، سپاه و پزشک‌یان، تلاش برای حذف و تصفیه صفوف حکومت از ناراضیان سیاست‌های خامنه‌ای، دادن تصویر حکومتی مقتدر در برابر مردم معترض، فوری‌ترین امر نظام و خامنه‌ای در این برهه حساس از حیات حکومت است.

اینکه روند اوضاع آتی، طرح، نقشه و احتمالات خون‌خواهی خامنه‌ای برای هنیه چه زمانی و به کدام مسیر خواهد رفت، میزان و شکل پاسخ نظامی رژیم در حمله به اسرائیل چه ابعادی خواهد داشت، واکنش اسرائیل و متحدانش به این موضوع به چه شکل خواهد بود، هنوز مسئله‌ای باز است.

روند فعلی اوضاع به هر طرفی که برود، پاسخ نظامی محدود و کنترل شده رژیم به اسرائیل اتفاق بیفتد یا نه فرقی در این موضوع نخواهد کرد که خامنه‌ای و کل نظام تا همین جا سر عملی کردن تهدیدات جنگی‌شان علیه اسرائیل حسابی ترسیده، اقتدار پوشالی حکومت درهم‌ریخته و در یک کلام شکست‌خورده‌اند. در این میان دمیدن در بوق و کرنای انتقام و خون‌خواهی خامنه‌ای برای هنیه، بهانه‌ای شده در دست حکومت با هدف تشدید فضا و جو امنیتی در داخل برای گسترش سرکوب مبارزات مردم و افزایش اعدام‌ها. نباید اجازه داد حکومت آدمکشان اسلامی در این وضعیت درهم‌ریخته و شکننده‌ای که گرفتار آمده، خودش را جمع‌وجور کرده و جرئت کند سرکوب اعتراضات مردم را به‌پیش ببرد. حربه سرکوب به بهانه شرایط جنگی را باید از دست حکومت گرفت و مبارزه بر علیه حکومت و برای به زیر کشیدنش را سازمان داد. با سرنگونی جمهوری اسلامی نه‌تنها مردم ایران، بلکه منطقه و جهان از شر تروریسم اسلامی و جنگ و جنایت رها خواهند شد. پایان‌دادن به خطر جنگ و تروریسم اسلامی در دستور انقلاب آتی مردم است.*



تهدید گسترش جنگ در خاورمیانه و نقش تاریخی مردم ایران!

سود جوید. در واقع مرکز این وضعیت تیره و تهدیدآمیز در خاورمیانه، مردم ایران قرار دارند که در نبردی گسترده و هر روزه با جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری و رفاه و امنیت به سر می‌برند. وضعیت ملت‌هپ و نامعلوم کنونی و ادامه تهدیدات جنگی مستقیماً در خدمت جمهوری اسلامی قرار دارد. جمهوری اسلامی البته به‌خوبی می‌داند که به‌ویژه در شرایطی که مردم برای سرنگونی آن کمین کرده‌اند، توان مقابله نظامی با اسرائیل و حامی آن آمریکا را ندارد و سعی می‌کند از آن احتراز جوید. اما ادامه کنترل شده جنگ نیابتی با اسرائیل و آمریکا را یک رکن بقا، وجهی از هویت ایدئولوژیکی و حفظ اقتدار و نفوذ خود در منطقه و همچنین یک سیاست کلان امنیتی در مقابله با مردم ایران می‌داند.

پایان دادن به این سیاست ارتجاعی و ضدبشری جمهوری اسلامی که یک عامل اصلی به‌وجودآورنده اوضاع کنونی منطقه است، کار مردم ایران است. تا وقتی جمهوری اسلامی بر سرکار است این وضعیت کج‌دارومریز فعلی می‌تواند ادامه پیدا کند و در هر بزنگاهی می‌تواند به اوضاعی به‌مراتب وخیم‌تر و مخاطره‌آمیزتر نیز تحول پیدا کند.

مردم ایران با گسترش مبارزات خود در همه عرصه‌ها اولاً نباید به رژیم اسلامی اجازه دهند که به بهانه جنگ و تهدیدات جنگی مبارزات آنها را به عقب براند و خواسته‌ها و مطالبات آنها را بی‌جواب بگذارد، ثانیاً با تضعیف رژیم اسلامی و تحکیم و تقویت صفوف خود و نزدیک‌تر شدن به سرنگونی جمهوری اسلامی به راه‌حل نهایی این اوضاع یعنی فرستادن جمهوری اسلامی به گورستان تاریخ دست می‌یابند. مردم ایران با این کار نه فقط خود را رها می‌کنند؛ بلکه کمک بسیار بزرگی به رهایی مردمان کشورهای مختلف منطقه خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مرداد ۱۴۰۳، ۶ اوت ۲۰۲۴

ترور هفته گذشته رهبران ارشد حماس و حزب‌الله در تهران و بیروت توسط اسرائیل و به دنبال آن رجزخوانی‌های جنگی جمهوری اسلامی، کل منطقه خاورمیانه را در وحشت خطر جنگی گسترده‌تر و غیرقابل کنترل فروبرده است. این در حالی است که جنگ اسرائیل و حماس با کشتار وحشیانه مردم غزه ادامه دارد و وارد یازدهمین ماه خود می‌شود.

سران جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان در چند روز اخیر مکرراً اسرائیل را به "انتقام سخت" تهدید کرده‌اند و از سوی دیگر نتانیاهو و ارتش اسرائیل نیز هر بار بر پاسخی فوری و نابودکننده تأکید کرده‌اند. آمریکا نیروهای بازهم بیشتری برای دفاع از اسرائیل و نیروهای خود به منطقه اعزام کرده است و کشورهای گوناگون اتباع خود را به ترک لبنان و منطقه فرامی‌خوانند.

گرچه می‌توان گفت که هیچ طرفی خواهان گسترش جنگ نیست و حتی فعالیت‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها در منطقه و تلاش برای ازسرگیری مذاکره برای توافق آتش‌بس در غزه جریان دارد، اما با این همه همه ناظران پاسخ رژیم اسلامی ایران و حزب‌الله تحت فرمانش به ترورهای هفته گذشته اسرائیل را حیثیتی و ناگزیر می‌دانند و اکنون نگران ابعاد این پاسخ‌ها هستند. جمهوری اسلامی در موقعیتی نیست که قادر به درگیری نظامی درازمدت و جنگی تمام‌عیار علیه اسرائیل بشود. اما حتی جنگ محدود و کنترل شده دو طرف نیز که هر چند وقت یکبار دارد تکرار می‌شود، فضای ناامنی را بر مردم ایران و کشورهای دیگر منطقه حاکم کرده است.

حکومت تلاش می‌کند تا با دامن‌زدن به تنش نظامی و گفتمان جنگ با اسرائیل جنگ واقعی مردم علیه حکومت خود، یعنی جنبش انقلابی زن زندگی آزادی، را تحت‌الشعاع قرار دهد و از چنین فضایی برای تغییر صورت مسئله از انقلاب به جنگ و تشدید سرکوب و اعدام در ایران



التماس پزشکيان از خامنه‌ای با دستور خود خامنه‌ای

مهران محبی

درماندگی در میان سران حکومت مخصوصاً نزد خامنه‌ای در پاسخگویی نظامی به طور مستقیم به اسرائیل به اوج رسیده است. بیش از یک هفته از ترور اسماعیل هنیه توسط اسرائیل در تهران می‌گذرد و علی‌رغم هارت و پورتهای خامنه‌ای در روز ترور هنیه و نشخوار تهدید خامنه‌ای مبنی بر خون‌خواهی اسماعیل هنیه از اسرائیل توسط سرداران سپاه و دیگر سران حکومتی، حالا خامنه‌ای در صدد بازپس‌گیری آبرومندانه ادعاها و تهدیدات قبلی اش است.

خامنه‌ای و دیگر سران جمهوری اسلامی می‌دانند که مردم در کمین به‌دست آوردن هر فرصتی برای سرنگون کردن حکومتشان هستند. می‌بینند مخالفت‌ها و اعتراضات علیه کلبت حکومت و ماجراجویی‌های جنگی رژیم در جامعه موج می‌زند و حمله مستقیم به اسرائیل با پاسخ سخت به معنای واقعی (نه مورد ادعای خامنه‌ای) اسرائیل مواجه خواهد شد که خود این می‌تواند حکومت را بیشتر و شدیدتر به سوی سرنگونی توسط مردم سوق دهد و به همین خاطر ناچار به عقب‌نشینی شده است که جدی‌ترین و آشکارترین نمود آن، نمایش درخواست پزشکيان از خامنه‌ای برای اجتناب از جنگ مستقیم با اسرائیل است.

پزشکيان در دیدارش با خامنه‌ای که به اصطلاح از خامنه‌ای تقاضای اجتناب از جنگ مستقیم با اسرائیل را کرده است، در نقش فریبکارانه نمایندگی از سوی مردم ناراضی در برابر خامنه‌ای آشکارا نگرانی و وحشت خود خامنه‌ای و کل حکومت را بر زبان آورده است.

پزشکيان در هیبت هشداردهنده قلابی به خامنه‌ای برآمده و ضمن انگشت گذاشتن بر ضدیت مردم با حکومت که وی آن را به بی‌اعتدای نسبت به نمایندگان تعبیر و تقلیل داده که در حضور کمرنگ در انتخابات ریاست جمهوری خود را نشان داده، از احتمال تلافی شدید اسرائیل علیه زیرساخت‌ها و منابع انرژی کشور که می‌تواند اقتصاد را فلج کند و باعث فروپاشی شود سخن گفته و از او خواسته است که از ادامه فشار عوامل و رسانه‌های وابسته به سپاه که خواهان رویارویی مستقیم با اسرائیل هستند، ممانعت کند.

معلوم است که نه این دیدار و نه هیچ یک از صحبت‌ها و هشدارهای پزشکيان به خامنه‌ای به اراده پزشکيان نبوده و با دستور و توصیه خود خامنه‌ای انجام شده است. پزشکيان همان کسی است که در دوران تبلیغات کاندیدایی‌اش برای ریاست جمهوری اعلام کرد که همه دستورات و چهارچوب‌های مدیریت را خامنه‌ای تنظیم می‌کند... و من اصلاً ذوب در خامنه‌ای هستم، و همان کسی است که در مراسم تحلیف خود بر فرمان‌برداری محضش از فرامین و دستورات خامنه‌ای مجدداً و مؤکداً تأکید کرد و حالا هم همان فرمان‌بردار و حلقه‌به‌گوش خامنه‌ای است و غیر از این هم نمی‌تواند باشد.

در نتیجه این دوگانگی کاذب، یک نمایش مفتضحانه و رسوا طبق خواست بخش وسیعی از حاکمیت و خود خامنه‌ای متأثر از اوضاع به‌هم‌ریخته درونی تحت فشارهای انقلاب مردم است که رژیم را تبدیل به یک کالبد توخالی در برابر اسرائیل کرده است که ده‌ها سال است بر طبل نابودی‌اش می‌کوبد.

خامنه‌ای است که پزشکيان را در قالب نماینده مردم ناراضی از جنگ و فضای جنگی به حضور پذیرفته و می‌خواهد با یک تیر به خیال خودش دو نشان بزند. از طرفی می‌خواهد از شر درگیری مستقیم با اسرائیل، خود و حکومتش را با توجیهی عامه‌پسند و بدون اینکه مسئولیتی متوجهش گردد، خلاص کند و از طرف دیگر برای پزشکيان که ریاست جمهوری‌اش حاصل شکست کل حکومت از مردم در انتخابات و بی‌اعتبارترین و نامشروع‌ترین رئیس‌جمهور رژیم است، به این طریق اعتبار و پایگاهی

اجتماعی بخرد.

جمهوری اسلامی می‌داند که دشمنش مردمی هستند که با انقلاب خود (انقلاب "زن، زندگی آزادی") در حال کندن گورش هستند؛ بنابراین همه توان و ماشین کشتار و سرکوبش را معطوف به جنگ با مردم کرده است و برای تشدید فضای رعب و وحشت و بگرویبند و اعدام، نیاز به چنین شرایط تهدیدات جنگی ای دارد. رژیم توان درگیر شدن مستقیم با اسرائیل را ندارد و همانطور که پزشکيان در نمایش درخواست از خامنه‌ای برای اجتناب از رویارویی مستقیم با اسرائیل به‌صراحت باور و نگرانی کل حکومت از فروپاشی و سرنگونی به دست مردم را در نتیجه شکست نظامی و جنگی از اسرائیل، بازتاب می‌دهد، نشان از آن دارد که وارد جنگ مستقیم نخواهد شد. اما در سایه همین فضای تهدیدات جنگی سرعت ماشین اعدام و سرکوبش را افزایش بخشیده و می‌خواهد به‌پیش ببرد.

حکومت از روز دهم مرداد که پزشکيان رسماً به ریاست جمهوری رسید و در همان روز اسماعیل هنیه سرکرده تروریست‌های حماس در تهران کشته شد و هنوز ده روز از آن زمان نگذشته است، نزدیک به ۱۰۰ زندانی اعم از سیاسی و عادی را اعدام کرده است. روز هفدهم مرداد رضا رسائی زندانی سیاسی و از بازداشت‌شدگان اعتراضات انقلاب "زن، زندگی، آزادی" در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه هم‌زمان با چند زندانی با جرائم عادی در زندان‌های دیگر اعدام شدند. این رژیم کشتار و اعدام فقط در یک روز، در روز هجدهم مرداد ۲۲ زندانی را در زندان قزل‌حصار کرج به دار آویخته است.

جمهوری اسلامی تنها راه دوام خود را به‌عبث به قتل و اعدام گرزده است. ماشین اعدامش را سرعت بخشیده تا شاید جامعه را مرعوب کند و خود را از سرنگونی نجات دهد. اما راه نجاتی ندارد و با هر اعدامی خود را به سرنگونی نزدیک‌تر می‌کند. مردم دارند پاسخ توحش و تقلاهای مذبحخانه حکومت را با گسترش اعتراضات خود در خیابان و کارخانه که اعتراض به اعدام و حکومت اعدامی را به جنبه‌ای ثابت در کنار دیگر اعتراضات معیشتی و صنفی‌شان تبدیل کرده‌اند، می‌دهند.

حکومت در چنین فضای اعتراضی و انقلابی‌ای است که از درون دچار تشقت و انشقاق شده است و در برابر چنین جامعه‌ای است که سرداران امنیتی و نظامی‌اش آمیدی به بقای حکومت ندارند و وسیعاً توسط دستگاه‌های جاسوسی اسرائیلی خریداری و به جاسوسان مוסاد تبدیل می‌شوند. حکومتی که در آستانه سرنگونی باشد و راه نجاتی در برابرش گشوده نباشد، طبیعی است که عوامل امنیتی‌اش با گرفتن پول و وعده پناه داده شدن بعد از سرنگونی رژیم، وارد هر معامله امنیتی و جاسوسی‌ای شوند.

بی‌خود نیست که بلافاصله بعد از ترور هنیه ۲۲ نفر از سرداران سپاه و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی به اتهام دست‌داشتن در ترور اسماعیل هنیه توسط خود حکومت بازداشت می‌شوند.

جمهوری اسلامی به وضعیتی گرفتار شده است که سرانش حتی به بغل‌دستی خود اعتماد ندارند و هر آن انتظار آن را دارند که قربانی یک توطئه و ترور شوند. این شرایط مرگبار را قبل از هر قدرت و دستگاه نظامی و جاسوسی خارجی، مردم و انقلاب مردم بر جمهوری اسلامی تحمیل کرده است. حکومتی که ۴۵ سال است با کل جامعه در جنگ است و فاقد کمترین اعتبار و مشروعیت و کمترین حمایت و پشتیبانی از سوی مردم است، این‌گونه در تنش‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای به‌زانو در می‌آید.

در نتیجه نه ایجاد فضای جنگی و نه اعدام نمی‌تواند رژیم را از سرنگونی نجات دهد. ما مردم با گسترش اعتراضات خود علیه اعدام و سرکوب، تلاش‌های حکومت برای مرعوب کردن جامعه از طریق قتل و اعدام را خنثی خواهیم کرد.*

فاشیسم جمهوری اسلامی علیه مهاجرین افغانستانی را در هم بشکنیم!

پناهندگان در ایران باید دفاع کرد. تعرض به یک انسان به بهانه ملیت یا مذهب یا رنگ پوست و دهها برچسب ضدانسانی دیگر، تعرض به همه جامعه است و اهدافی ضدانسانی علیه همه جامعه را دنبال می کند و عکس العمل همه جامعه را طلب می کند. جنبش انقلابی زن زندگی آزادی دست یاری به سوی همه مردم ساکن ایران دراز می کند و همه را به مبارزه علیه نژادپرستی فرامی خواند.

سازمانها، نهادها و فعالین جنبشهای اعتراضی و سازماندهندگان اعتراضات و اعتصابات کارگری، فعالین حقوق زن و دانشجویان مبارز، نویسندگان و هنرمندان و ورزشکاران معترض و همه مردم شریف و آزاده را فرامی خوانیم که دست در دست مهاجرین حق طلب و معترض جنبش وسیعی را علیه فاشیسم حکومتی و غیرحکومتی سازمان دهیم. این صفوف همه ما را در مقابل جمهوری اسلامی و تفرقه اندازیهای آن تقویت می کند.

پایت را از گلویم بردار

زنده باد انسانیت، زنده باد زندگی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ مرداد ۱۴۰۳ - ۹ اوت ۲۰۲۴

ویدیوی رفتار وحشیانه نیروی سرکوب جمهوری اسلامی با سیرچه ۱۵ساله افغانستانی موجی از اعتراض برانگیخته است. بسیاری این برخورد وحشیانه را با مورد مشابه برخورد پلیس آمریکا با جورج فلویید که زیر پای پلیس جان سپرد مقایسه کرده و با هشتگ "پایت را از گلویم بردار" شروع به اعتراض کرده اند. این ویدیو بار دیگر توجهات را به برخورد فاشیستی جمهوری اسلامی با مهاجرین افغانستانی جلب کرده است. برخورد وحشیانه با سید مهدی، نمونه ای از برخورد هر روزه حکومت با مهاجرین افغانستانی است.

در برابر فاشیسم اسلامی علیه این پی دفاعترین شهروندان در ایران نباید ساکت نشست. پناهندگان جزئی از جامعه هستند و باید از حقوق برابر با همه مردم در همه زمینهها برخوردار باشند. زیر پانهادن حقوق انسانی زحمت کشان گریخته از دست طالبان در خدمت تعرض به حقوق همه مردم است و آن را نباید تحمل کرد. انسانیت شعاری تنیده شده در انقلاب زن زندگی آزادی است. باید بتوانیم همه انسانهای ستمدیده را جذب مبارزه برای سرنگونی کنیم. این نیروی چندمیلیونی را می شود بدل به نیروی جنبش انقلابی زن زندگی آزادی کرد. این انسانها دشمن ما نیستند. دشمن همه ما جمهوری اسلامی است.

از حق کار و زندگی و تحصیل و حقوق اجتماعی همه مهاجران و



چه خرافات مذهبی و چه مقدسات ناسیونالیستی ربطی به خواستههای مردم ندارد. مردم، همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر آزادیهای مدنی و غیره خواستار حقوق مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا شاه میهن" سرکوب شده اند. در واقع می توان گفت که از نظر مقدسات و تابوهای ملی میهنی - مذهبی جمهوری اسلامی و سلطنت کنار هم هستند، و گرچه تاکیدات متفاوتی دارند، یکی بیشتر بر مذهب تاکید دارد و دیگری بر ناسیونالیسم، ولی در اساس یک خط را نمایندگی میکنند.

(حمید تقوایی: روسیه، جمهوری اسلامی ۷ و مساله سه جزیره)

اطلاعه‌های هفته اخیر

تجمعات بازنشستگان در شهرهای اهواز، شوش، کرمانشاه، تهران و چند خبر اعتراض دیگر

شریفه محمدی آزاد باید گردد

امروز یکشنبه ۱۴ مرداد بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش، تهران، اهواز و کرمانشاه به روال هر هفته برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. در کرمانشاه بازنشستگان تأمین اجتماعی به همراهی بازنشستگان کشوری و مخابرات مقابل تأمین اجتماعی تجمع داشتند. در این تجمع اعتراضی یکی از بازنشستگان با سؤال اینکه چرا مردم روزیروز به لبه گودال نابودی و فروپاشی اجتماعی نزدیک‌تر می‌شوند و هزاران چراهای دیگر که باید حکومت در مقابل آن پاسخگو باشد، پیرامون معضلات جامعه و زندگی اسفناک بازنشستگان و مردم سخن گفت. بازنشستگان کرمانشاه شعار می‌دادند: "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "ریاضت، فلاکت، تحمیل شده به ملت"، "فریاد، فریاد از این همه بیداد"، "بی برقی تابستان، بی گازی زمستان، ننگتان، ننگتان"، "بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن"، "روسی رو رها کن، فکری به حال ما کن"، و "معیشت، درمان، نابودتر از هر زمان".

بازنشستگان در کرمانشاه یک الگوی زیبا از اتحاد و همبستگی بخش‌های مختلف بازنشستگان هستند.

بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش تجمع خود را در اعتراض به فقر و ناداری، تورم و گرانی، دستمزدهای ناچیز و حداقلی، تبعیض و ستم و نابرابری و در اعتراض به حکم صادره برای شریفه محمدی اعلام کرده و در این روز علی‌رغم گرمای سوزان تابستانی از کرخه و هفت تپه و شوش گردآمده و پیگیر مطالباتشان شدند. در این تجمع اعتراضی علی‌نجاتی کارگر بازنشسته از سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در باره وضعیت بد معیشتی بازنشستگان و در اعتراض به حکم اعدام شریفه محمدی سخنرانی کرد.

یک موضوع دیگر اعتراض بازنشستگان در این تجمع پرداخت ۲۵۰ میلیارد تومان از سرمایه صندوق‌های بازنشستگی جهت اربعین و هم‌زمان بی‌پاسخ ماندن مطالبات بازنشستگان بود. خواست بازنشستگان بازگرداندن این پول به صندوق آنها و بازگرداندن امتیاز بیمارستان ملکی است. بازنشستگان با بنر بیمارستان نداشتن اعتراض خود را به محرومیت از اولیه‌ترین امکانات زیستی اعلام داشتند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شوش شعار می‌دادند: "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "تورم اسفبار، حاکم شده تو بازار"، "کو مهار تورم دروغ ننگین به مردم"، حسین حسین شعارتون، دروغ و دزدی کارتون"، "کشور پر درآمد، چه بر سر تو آمد"، "مشکل ما حل نشه، یکشنبه‌ها می‌آییم"، و "نه سرما، نه گرما، نیست جلودار ما".

در تهران بازنشستگان شعار می‌دادند: "معیشت بازنشستگان، نابودتر از هر زمان"، "بیمه‌های تکمیلی دزد سرگردنه"، "خیلی دروغ شنیدیم، عدالتی ندیدیم"، "تا حق خود نگیریم یکشنبه‌ها می‌آییم". در این تجمع اعتراضی بنرهای "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"، "درمان رایگان حق مسلم ماست" برجستگی داشت و در اهواز بازنشستگان با شعار "فولادی، کشوری، تأمین اجتماعی اتحاد، اتحاد" فراخوانشان به اتحاد مبارزاتی همه بخش‌های بازنشستگان بود و شعار می‌دادند: "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "روسی رارها کن، فکری به حال ما کن"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم".

علاوه بر بازنشستگان تأمین اجتماعی در این روز بازنشستگان فولاد در

فوج کارگران معترض واگن پارس در خیابان‌های اراک

امروز شنبه ۱۳ مرداد اعتراض کارگران واگن پارس مپنا در اراک وارد پنجمین روز خود شد. اعتراض این کارگران به کارکرد مدیر فاسد این کارخانه مرتضی ملائزاد و وضع غیرقابل تحمل معیشتی و کاری آنهاست. کارگران خواستار استعفای مدیر شرکت و عملی شدن خواست‌هایشان هستند. روز گذشته شمار زیادی از این کارگران به خیابان آمدند، راهپیمایی کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. شعارهای اعتراضی جمعیت بزرگ کارگران بر فضای خیابان‌ها طنین انداخته بود. کارگران از جمله شعار می‌دادند: "مدیر بی‌لیاقت نمی‌خوایم، نمی‌خوایم"، "نگ ما ننگ ما، مدیر الدنگ ما"، و "ملائزاد حیا کن، کارخونه رارها کن".

شرکت واگن پارس وابسته به گروه صنعتی "مپنا" است که عمده سهام آن به وزارت نیرو و نهاد معلوم‌الحال موسوم به "آستان قدس رضوی" تعلق دارد که محل چپاولگری‌های عظیم سران حکومت است. واگن پارس نمونه دیگری از فساد مدیریت کارخانه در همدستی با مقامات حکومت اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مرداد ۱۴۰۳، ۳ اوت ۲۰۲۴

تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت در شرکت نفت و گاز پارس در عسلویه و شرکت فلات قاره در لاوان

امروز ۱۳ مرداد کارگران رسمی در شرکت نفت و گاز پارس در عسلویه و روز گذشته در شرکت فلات قاره در لاوان برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. کارگران رسمی نفت در سکوها و مراکز مختلف نفتی برای پیگیری مطالباتشان در دو هفته اخیر تجمعات متعددی بر پا کرده‌اند. این اعتراضات از مهرماه گذشته آغاز شده است و اهم مطالبات کارگران عبارت‌اند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه مشاغل عملیاتی و بازنگری اساسنامه تحمیلی صندوق بازنشستگی.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران بیمانی نفت ضمن گزارش این خبرها حمایت و پشتیبانی خود را از اعتراضات کارگران در بخش‌های مختلف نفت اعلام کرده و بر اتحاد و همبستگی همه کارگران تأکید کرده است. از مبارزات کارگران نفت حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مرداد ۱۴۰۳، ۳ اوت ۲۰۲۴

کارگر زندانی
آزاد باید گردد!

قائم‌شهر نیز برای پیگیری مطالبات خود تجمع داشتند.

در این روز همچنین کامیون‌داران شهری روستای گلمنجان واقع در ۲۰ کیلومتری شرق اصفهان در اعتراض به کمبود سهمیه گازوئیل و مشکلات کاری و معیشتی خود تجمع کردند.

روز دهم مردادماه نیز کارگران شرکت "گلف اجنسی ایران" در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد و حق بیمه خود و سطح نازل حقوقها در محوطه شرکت گلف اجنسی ایران (زیر مجموعه هلدینگ آتیه صبا) تجمع کردند. این شرکت بیش از ۲۱ سال است که کار تخلیه و بارگیری کالا در سازمان منطقه ویژه بنادر و دریانوردی استان خوزستان را به عهده دارد...

آخرین خبر مربوط به شرکت شیوا عاملی راد نماینده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در دهمین کنگره جهانی آموزش بین‌الملل در بوینس آیرس، آرژانتین است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در این کنگره نمایندگانی از ۱۷۸ کشور به نمایندگی از ۳۲ میلیون عضو این اتحادیه در سراسر جهان شرکت داشتند و خانم شیوا عاملی راد به نمایندگی از شورای هماهنگی تشکلهای صنفی در این گردهمایی جهانی شرکت می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مرداد ۱۴۰۳، ۴ اوت ۲۰۲۴

اعتصابات گسترده پرستاران در بیمارستان‌های مختلف ادامه دارد

بنا بر گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران، اعتراضات کادر درمان و پرستاران در بیمارستان‌های مختلف برای پیگیری مطالباتشان گسترش یافته است. طبق این گزارشات اعتصابات بیمارستان‌های کرج از سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳ با آغاز اعتراضات پرستاران بیمارستان امام علی کرج، شروع شده و نیروهای پرستاری در اعتصاب کامل به سر می‌برند و تنها تعداد معدودی از سوپروایزرها و نیروها برای رسیدگی به بیماران از پیش بستری شده سر کار حاضر می‌شوند.

پرستاران بیمارستان کوثر استان البرز نیز از روز شنبه ۱۳ مرداد، در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و کاری خود دست به اعتصاب زدند. همچنین پرستاران بیمارستان شهید رجایی از روز شنبه ۱۳ مرداد وارد اعتصاب شده و بخش اورژانس این بیمارستان و کلیه نیروهای پرستاری و کادر درمان با ترک کار به این اعتصاب پیوستند. زیر فشار این اعتراضات صیادی رئیس دانشگاه علوم پزشکی نیمه‌شب برای مذاکره با پرستاران در بیمارستان حاضر شد و قول رسیدگی به درخواست پرستاران را داد.

پرستاران بیمارستان شهید مدنی، بخش اتاق عمل نیز از روز شنبه ۱۳ مرداد به اعتصاب پیوستند و اتاق عمل به تعطیلی کشیده شده است.

همچنین پرستاران بیمارستان شریعتی کرج، از روز یکشنبه ۱۴ مرداد به این اعتصابات پیوسته‌اند. عدم پرداخت تعرفه‌ها یک موضوع این اعتراضات است و طبق گزارشات به نقل از وحید دبیری رئیس هیئت‌مدیره نظام پرستاری کرج پرداخت تعرفه خدمات مراقبتی پرستاران شاغل در بیمارستان‌های کرج از بهمن‌ماه سال گذشته پرداخت نشده است. بعلاوه این پرستاران کارانه زمستان سال ۱۴۰۱ خود را نیز طلب دارند. زیر فشار اعتراضات پرستاران قرار شده است که مبلغی به‌صورت علی‌الحساب بابت تعرفه بهمن‌ماه ۱۴۰۲ برای پرستاران البرز واریز شود. ضمن اینکه مقرر شده است که تا پایان مرداد، بخشی از عقب‌ماندگی تعرفه پرستاران را جبران کنند و این طلبها را به‌صورت دقیق پرداخت کنند و علی‌الحساب نباشد.

بنا بر خبر مبلغ کارانه پرستاران باتوجه به وضعیت و میزان کار هر پرستار با دیگری متفاوت است و ماهانه بین ۲ تا ۹ میلیون تومان تفاوت دارد. باین‌وجود مبلغ پرداختی به پرستاران بابت تعرفه‌گذاری به‌صورت علی‌الحساب است و پرستاران به‌طور دقیق نمی‌دانند مبلغ تعرفه ماهانه

آنها چقدر است. یک موضوع اعتراض پرستاران تبعیض در پرداخت تعرفه‌ها و سلیقه‌ای عمل کردن مسئولین است.

رئیس هیئت‌مدیره نظام پرستاری کرج گفت: با پیگیری‌های سازمان نظام پرستاری فعلاً مسئولان دانشگاه علوم پزشکی البرز قول داده‌اند که تا پایان مرداد، بخشی از عقب‌ماندگی تعرفه پرستاران را جبران کنند و مبلغ پرداختی را نیز به‌صورت دقیق پرداخت کنند و علی‌الحساب نباشد که امیدواریم به این وعده خود عمل کنند. آخرین گزارش از اعتراضات پرستاران این است که این اعتراضات به شیراز هم کشیده شده است. مبلغ ناچیز اضافه‌کاری (ساعتی ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان)، عدم پرداخت آیتم‌های رفاهی و مبلغ ناچیز آن، تبعیض در پرداخت تعرفه‌ها و عدم شفافیت در میزان آن، عدم اجرای ابلاغیه فوق‌العاده خاص و اصلاح ضریب حقوق پرستاران و عدم تأمین نیروی انسانی و کار طاقت‌فرسا و فشار کار بسیار و اجبار به اضافه‌کاری از جمله موضوعات اعتراضی آنهاست که معضل همه پرستاران است. معاون نظام پرستاری شیراز با حضور در جمع پرستاران اعلام کرد که اینها مشکلات سراسری است و کلید حل آن در دست وزارت بهداشت است. پرستاران می‌گویند تا جواب نگیرند به اعتراضاتشان ادامه می‌دهند.

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب پرستاران حمایت می‌کند و همه مردم را به حمایت از آنها فرا می‌خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ مرداد ۱۴۰۳، ۵ اوت ۲۰۲۴

اعتراضات معلمان خرید خدمت، کشاورزان اصفهان، و ادامه اعتراضات کارگران نفت

امروز دوشنبه ۲۵ مرداد معلمان خرید خدمت با خواست استخدام در آموزش و پرورش و در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی خود مقابل دفتر پزشک‌ها تجمع کردند. معلمان شعار می‌دادند: "خرید خدمت بیدار است، از تبعیض بیزار است"، و "ظلم و ستم بسمه، استخدام حقمه". هزاران تن از معلمان خرید خدمت در حالت بلا تکلیفی به سر می‌برند و آموزش و پرورش علی‌رغم نیاز به شمار بسیار بیشتری از معلمان، از استخدام آنها سر باز می‌زند و آنها را بدون استخدام رسمی به کار می‌گیرد.

بنا به یک گزارش دیگر در خوراسگان اصفهان تحصن کشاورزان در اعتراض به بی‌آبی و علیه مافیای آب و با خواست حقایق و بازگرداندن آب زاینده‌رود ادامه دارد و در شب گذشته کشاورزان همراه با خانواده‌هایشان در تحصن بودند.

آخرین خبر اینکه در ادامه اعتراضات کارگران رسمی نفت برای پیگیری مطالباتشان روز گذشته ۱۴ مردادماه کارگران رسمی نفت شاغل در سکوی نصر دست به تجمع زدند. مطالبات کارگران رسمی نفت سراسری است و اهم آن عبارت‌اند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه مشاغل عملیاتی و بازنگاری اساسنامه تحمیلی صندوق بازنشستگی.

حزب کمونیست کارگری

۱۵ مرداد ۱۴۰۳، ۵ اوت ۲۰۲۴

حکومت اسلامی سرنگون باید گردد

تجمعات اعتراضی سراسری بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف

امروز یازدهم مردادماه بازنشستگان مخابرات برای پیگیری مطالباتشان همچون هفته‌های گذشته در شهرهای مختلفی تجمع کردند. این تجمعات در این هفته در شهرهای کرمانشاه، ارومیه، اصفهان، اردبیل، زنجان، سنندج، تهران، مریوان، اهواز، تبریز، همدان و بندرعباس برگزار شدند.

در کرمانشاه بازنشستگان با شعار نه آفتاب نه گرما نیست جلودار ما بر عزم خود برای پیگیری مطالبات تأکید کردند.

در اصفهان بازنشستگان معترض شعار می‌دادند: "مدیر بی‌لیاقت ننگت باد ننگت باد"، "تبعیض ظالمانه بسه تو این زمانه".

اعتراض بازنشستگان به فقر و گرانی، تبعیض‌ها و نابرابری‌ها، بساط اختلاس‌ها و دزدی‌ها و سرکوبگری‌های حکومت است. بازنشستگان مخابرات علاوه به چپاولگری‌های ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد تعاون سپاه و مدیران مخابرات و عدم اجرای آیین‌نامه مصوب سال ۸۹ که می‌تواند بهبودی در سطح درآمد آنها ایجاد کند و به‌روزشدن کمک‌هزینه‌های رفاهی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و ادامه آن در سال ۱۴۰۳ معترض‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ مرداد ۱۴۰۳، ۵ اوت ۲۰۲۴

ادامه قدرتمند اعتصاب کارگران واگن پارس اراک، پرستاران و اخباری دیگر

اعتراضات کارگران واگن پارس اراک علیه اخراج‌ها ادامه دارد. این کارگران روز گذشته در هشتمین روز اعتراضاتشان در یکی از خیابان‌های شهر دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در این روز سیل جمعیت کارگران معترض کارخانه واگن پارس اراک و فریاد شعارهایشان فضای شهر را تحت تأثیر قرار داده بود.

کارگران شعار می‌دادند: "توپ تانک فشفشه وزیر باید عزل بشه"، و "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد".

کارگران با در دست داشتن بنری که روی آن نوشته شده بود "تبعیض بس است؛ مدیر باید عوض شود!" اعتراضشان را به مدیریت فاسد اعلام داشتند. خواست‌های فوری دیگر این کارگران عبارت‌اند از: پایان کار پیمانکاران، همسان‌سازی حقوق و مزایای کارگران با دیگر کارخانجات هم‌جوار و گروه مینا، رسمی شدن قرارداد کارگران و دست‌کم یک‌ساله شدن قراردادهای، و بازگشت به کار کارگران اخراجی.

امروز شانزدهم مردادماه کارگران شهرداری سرنندر (خوزستان) نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق برج ۳ و ۴ همچنین ۵ ماه بیمه عقب‌افتاده دست به اعتصاب زدند.

همچنین کامیون‌داران اصفهان کماکان در اعتراض به کمبود سهمیه گازوئیل و فشار سخت معیشتی در اعتصاب به سر می‌برند.

از سوی دیگر اعتصابات پرستاران به‌خاطر بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان گسترده است و در ادامه گزارشات قبلی گفتنی است که روز گذشته اکثر بیمارستان‌های شیراز بخصوص بیمارستان‌های چمران و رجایی خالی از پرسنل شدند و فقط هلدنرها و سوپروایزرها در محل کار حضور داشتند. این پرستاران در طول یک سال گذشته بارها به وضعیت اسفبار کاری و معیشتی خود در مجموعه علوم پزشکی شیراز اعتراض کرده بودند. پرستاران در سراسر کشور سال‌هاست برای مطالبات برحق خود مبارزه می‌کنند و بارها اعلام کرده‌اند که در صورت عدم توجه به خواسته‌های شغلی خود دست به اعتصاب خواهند زد. اعتراض پرستاران به سطح نازل حقوقها و تبعیض در پرداخت‌ها از جمله پرداخت سلیقه‌ای تعرفه‌ها

و بعضاً عدم پرداخت آن و نیز فشار سنگین کاری و اضافه‌کاری‌های اجباری و استاندارد پایین بهداشتی بیمارستان‌ها است. مطالبات پرستاران مستقیماً به سطح درمان جامعه مربوط است و از اعتراضات و خواست‌هایشان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مرداد ۱۴۰۳، ۶ اوت ۲۰۲۴

تجمع بخش‌های مختلف بازنشستگان در کرمانشاه، بازنشستگان ۱۴۰۲ در تهران و بازنشستگان مس در کرمان اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد

امروز سه‌شنبه ۱۶ مرداد بازنشستگان کشوری در همراهی با بخش‌های دیگر بازنشستگان در کرمانشاه برای پیگیری مطالباتشان مقابل صندوق بازنشستگی کشوری استان تجمع کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی، اختلاس‌ها و دزدی‌ها و سرکوبگری‌های حکومت است و با تجمعات اعتراضی هفتگی خود صدای رسای اعتراض کل جامعه هستند. در تجمع اعتراضی این روز بازنشستگان در کرمانشاه با فریاد "اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد" کل جامعه را به اعتراض علیه بساط فقر و بردگی حاکم فراخواندند. در این تجمع اعتراضی برهانی با نوشته "معیشت منزلت، حق مسلم ماست"، "جای معلم زندان نیست" قابل‌توجه بودند. دیگر شعارهای اعتراضی این بازنشستگان در تجمع امروز عبارت بودند: "بازنشسته به پا خیز، برای رفع تبعیض"، "مالیات بی‌شمار، امکانات اسفبار"، "آقازاده آمریکاست، تورمش مال ماست"، و "مشکل ما این زمان، معیشت است و درمان".

در این روز جمعیت قابل‌توجهی از بازنشستگان معلم سال ۱۴۰۲ نیز در تهران تجمع داشتند و صدای اعتراضشان را به‌خاطر عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان و نپرداختن دیگر مطالباتشان بلند کردند. در این تجمع حضور زنان چشمگیر بود. بازنشستگان شعار می‌دادند: "وزیر خیانت می‌کند، بودجه حمایت می‌کند"، "صحرایی دروغگو! حاصل وعده‌ها کوه؟"، "زحمت کیشان دیروز، حق طلبان امروز"، و "نگاه پشت شیشه، جواب ما همیشه".

به گفته این معلمان پاداش آنها بعد از یک‌سال تأخیر و برخلاف وعده‌های مکرر وزارت آموزش و پرورش هنوز هم پرداخت نشده و اکنون حداقل ۵۰ درصد از ارزش خود را از دست داده است. برخی دیگر از مطالبات فوری آنان عبارت‌اند از: معوقات حقوق مربوط به رتبه‌بندی سال ۴۰۰ (احکام اولیه، تغییر رتبه، اعتراضات رتبه‌بندی و...)، تغییرات احکام شاغلی که در حقوق بازنشستگی اعمال نشده است، محاسبه ۲۴ ماهه رتبه‌بندی که اکنون ۱۸ ماه محاسبه شده است.

این معلمان بازنشسته هم‌چنین نسبت به بیمه تکمیلی درمان خود اعتراض دارند و بنری با تأکید با خواست درمان رایگان را بر دست داشتند. تجمع قبلی این بازنشستگان در ۲۶ فروردین امسال در صفی هزاران نفره آن‌هم در فضای امنیتی اوج تنش‌ها با اسرائیل، برپا شد و پاسخی محکم به حکومت و جنگ‌افروزی‌هایش بود. تجمعی به‌یادماندنی که الگویی برای برپایی تجمعات بزرگ از سوی بخش‌های مختلف جامعه به دست داد.

بازنشستگان صندوق بازنشستگی مس بخش دیگر بازنشستگان معترض هستند که در این روز در اعتراض به لایحه ادغام صندوق بازنشستگی مس با تأمین اجتماعی، و چپاولگری‌ها از صندوق‌های بازنشستگی مقابل شورای نگهبان کرمان تجمع داشتند. این تجمع به‌صورت سراسری و به نمایندگی از ۶ هزار و ۵۰۰ عضو این صندوق صورت گرفته بود و هم‌زمان با کرمان بازنشستگان مس سرچشمه رفسنجان هم تجمع داشتند.

بازنشستگان اعتراض همه مردم علیه سیستم چپاول حاکم را بازتاب می‌دهند و از خواست‌ها و مبارزات آنان باید وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری

۱۶ مرداد ۱۴۰۳، ۶ اوت ۲۰۲۴

از سرگیری اعتراضات گسترده کارگران ارکان ثالث و شرکتی در پالایشگاه‌های پارس جنوبی

روز گذشته شانزدهم مردادماه اعتراضات گسترده کارگران ارکان ثالث و شرکتی، پالایشگاه پنجم، نهم، دهم و یازدهم پارس جنوبی از سر گرفته شد. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) در رابطه با این اعتراضات می‌نویسد:

"ما کارگران پارس جنوبی، بر خلاف موارد قبل که عده‌ای با عنوان نمایندگان کارگری در جریان مناسبات بهمن‌ماه سال گذشته اعتراضات ما را به تعویق انداختند، اعلام می‌کنیم، تا تحقق کامل خواسته‌هایمان و پاسخگو کردن مدیران چپاول گر نفت و حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری مفت‌خور و افزایش مزد، دوش‌به‌دوش کارگران پروژه‌ای و رسمی و قراردادی در نفت ایستاده‌ایم و برخلاف ادعای اتحادیه دولت ساخته کانون انجمن صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر، اعتراضات ما در اعتراض به فساد موجود در پارس جنوبی و زد و بندهای عوامل این اتحادیه با کارفرما و پیمانکاران است و بیانیه‌های فرمایشی. کانون انجمن صنفی هیچ‌گونه ارتباطی با مطالبات برحق ما کارگران ندارد."

این شورا ضمن گزارش این اعتراض، بر اتحاد و همبستگی کارگران همه بخش‌های نفت تأکید کرده و در آخر همه کارگران شرکتی و ارکان ثالث را به پیوستن به اعتراضات هفتگی و همبستگی با اعتصابات وسیع کارگران پروژه‌ای و رسمی فراخوانده است.

اعتراضات در نفت گسترده است. اعتصاب بخش عظیم کارگران پروژه‌ای نفت برای پیگیری مطالباتشان ادامه دارد. اعتراضات کارگران رسمی نفت که از مهرماه گذشته در اعتراض به تعرضات معیشتی حکومت آغاز شده است نیز هر هفته ادامه دارد. حزب کمونیست کارگری از اعتراضات کارگران نفت حمایت می‌کند و همه بخش‌های جامعه را به حمایت از مبارزات این کارگران فرامی‌خواند.

پیش به سوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ مرداد ۱۴۰۳، ۷ اوت ۲۰۲۴

اعتصابات سراسری پرستاران در شیراز و بیانیه خواست‌ها و مطالبات آنان

اعتصابات پرستاران و کادر درمانی برای پیگیری مطالباتشان گسترده است. امروز چهاردهم مردادماه پرسنل دانشگاه علوم پزشکی فسا با فریاد مسئول بی‌لباقت استعفا، استعفا" دست به تجمع زدند. روز گذشته نیز همان‌گونه که قبلاً گزارش کردیم اکثر بیمارستان‌های شیراز در اعتصاب بودند. در این روز علاوه بر بیمارستان‌های چمران و رجایی، پرستاران در بیمارستان‌های قلب الزهراء شیراز، ابن‌سینا، و محرری در اعتصاب بودند.

این پرستاران طی بیانیه‌ای خواست‌های فوری خود را در یازده بند اعلام کرده‌اند که عبارت‌اند از: "تصحیح و تجدیدنظر در مبلغ احکام پرستاری و تطبیق احکام با پرستاران سایر ارگان‌ها از جمله شرکت نفت باتوجه به یکسان بودن کار، برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب ۳، اجرای صحیح قانون تعرفه‌گذاری پرستاری، برقراری کارانه حذف شده، تصحیح حق مسکن در احکام پرستاری، عدم اضافه‌کاری اجباری طبق قانون و آرای متحده دیوان عدالت اداری، اجرای صحیح قانون ارتقا بهره‌وری و حذف حضور فیزیکی و غیرفیزیکی، اجرای صحیح قانون مشاغل سخت و امکان بازنشستگی پرستاران با ۲۰ سال سابقه، تعطیلات موسمی و کاهش ساعات کاری که توسط مقامات مربوطه به صورت مقطعی اعلام می‌گردد نظیر بدی آب‌وهوا و... درج تمامی آیتم‌های مزدی به صورت شفاف در فیش حقوقی و باتوجه به تورم هر ماه، تسویه حساب تمامی معوقات مالی

پرستاری تاکنون.

این پرستاران خطاب به دکتر زالی اعتراض خود را به توقف خدمات پرستاری جهت احقاق مطالبات به حقه پرسنل اعلام کرده و پول زیرمیزی که جهت مداوا و عمل در بیمارستان‌های دولتی از مردم طلب می‌شود را به نقد کشیده‌اند.

شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران ضمن گزارش اخبار اعتراضات پرستاران و حمایت از بیانیه پرستاران در شیراز بر خواست‌های فوری افزایش حقوقها متناسب با میزان واقعی نرخ تورم و رشد روزافزون آن، قطع اضافه‌کاری اجباری و تبدیل وضعیت پرستاران قراردادی و پیمانی به وضعیت دائمی و داشتن امنیت شغلی تأکید کرده و از همه پرستاران و کادر درمان در سراسر کشور خواسته است که با اتحاد و همدلی مطالبات برحق خود را فریاد زده و اعتراضاتشان را به جلو برند.

مطالبات پرستاران مستقیماً به همه مردم مربوط است و اعتراضات آنان شایسته وسیع‌ترین حمایت‌هاست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ مرداد ۱۴۰۳، ۷ اوت ۲۰۲۴

کارگران واگن پارس اراک به اعتصاب و اعتراضات خود ادامه می‌دهند

اعتصاب قدرتمند کارگران واگن پارس در اراک بیش از ده روز است ادامه دارد. اعتراض این کارگران به شرایط شغلی، مزدی و اخراج‌هاست.

اعتراضات کارگران واگن پارس از چهارم مرداد بخاطر شرایط ساعت کار و جابه‌جایی تعطیلی پنج‌شنبه و جمعه با شنبه و یک‌شنبه به دلیل کمبود برق و مشکلات معیشتی‌شان آغاز شد و کارگران با تجمع در مقابل ساختمان اداری شرکت از مدیریت خواسته بودند که از اجرای این تصمیم جلوگیری کند. اما در پاسخ به آنان در روز بعدش مدیریت از ورود ۱۲ نفر از کارگران به کارخانه جلوگیری کرد. در واکنش به این اقدام کارگران اولتیماتوم دادند که اگر این تصمیم لغو نشود دست به اعتصاب خواهند زد و وقتی با پاسخ بی‌شرمانه ملانژاد مدیر شرکت و توهین او روبرو شدند، در روز یازدهم مرداد فوج جمعیت معترض آنان به خیابان آمد و پاسخ محکمی به مدیریت منفور و حکومت حامی سرمایه‌داران مفت‌خور دادند.

در این شرکت بیش از ۱۱۷۰ کارگر اشتغال دارند و به گفته کارگران سطح حقوق آنان بسیار نازل و علی‌رغم سفارشات بالای ساخت و تولید، حتی برخی تعلقات مزدی آنها حذف شده است. از جمله مزد یک کارگر بعد از ۲۰ سال کار با اضافه‌کاری ۲۵ میلیون تومان است و مدیریت اضافه‌کاری را هم کم کرده است. ملانژاد حتی اتاقت‌های محل استراحت کارگران را برداشته و کارگران مجبورند در کف سالن روی کارتن و مقوا استراحت کنند. از آن طرف، حقوق مدیران نجومی است و مزایای مختلف از جمله حق سفر و هزینه ورزش و اهدای خودرو و غیره به آنان تعلق می‌گیرد. کارگران به این تبعیض‌ها اعتراض دارند.

این کارگران در اعتراضاتشان با شعارهای "کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد"، "تبعیض بس است؛ مدیر باید عوض شود!" اعتراضشان را به مدیریت فاسد و دزدان حاکم اعلام داشتند. خواست‌های فوری دیگر این کارگران عبارت‌اند از: پایان کار پیمانکاران، همسان‌سازی حقوق و مزایای کارگران با دیگر کارخانجات هم‌جوار و گروه مپنا، رسمی شدن قرارداد کارگران، و بازگشت به کار کارگران اخراجی.

مطالبه پایان کار پیمانکاران یک مطالبه سراسری کارگری است که هم اکنون در رأس مطالبات هزار کارگر معترض نفت نیز هست و ساختار ضد کارگری اقتصاد حکومت را مورد اعتراض و تعرض قرار می‌دهد.

شرکت واگن پارس شرکت وابسته به گروه صنعتی "مپنا" است که عمده سهام آن به وزارت نیرو و نهاد معلوم‌الحال موسوم به "آستان قدس

به سر می برد و از دوشنبه پانزدهم مردادماه در اعتراض به صدور حکم حبس و مجازات های تکمیلی علیه خود دست به اعتصاب غذا زده است. مریم مهرابی ۲۹ خرداد امسال به همراه دو دختر خردسالش توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود در اصفهان بازداشت شد. او با اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "تشویق مردم به کشتار" در دادگاه انقلاب اصفهان به شش سال حبس و دو سال محرومیت از خدمت و دو سال ممنوع الخروجی محکوم شده است. او پیش تر در اسفندماه سال ۱۴۰۱ نیز بازداشت شده بود. ماهان (هاجر)، خواهر دیگر محمود مهرابی، ضمن اعلام این خبر به صورت یک ویدئو گفت: "مگر مریم جز دادخواهی برای برادرم کاری کرده است؟... ما جلوتون می ایستیم کوتاه نمی یایم با این پرونده سازی ها و حکم ها ما کوتاه نمی یایم... قوی تر میشیم می جنگیم... صدای مریم مهرابی خواهر دادخواهم صدای محمود مهرابی باشیم صدای همدیگه باشیم جز همدیگه کسی رو نداریم..."

محمود مهرابی از بازداشت شدن انقلاب است و در بهمن ۱۴۰۱ به علت افشاکری هایش درباره مسئولان شهری اصفهان در اینستاگرام خود، بازداشت و در زندان دستگرد به سر می برد. او در مهر سال جاری با صدور کیفرخواستی به ۱۸۷ اتهام و به "افساد فی الارض" متهم و به اعدام محکوم شد.

هم صدا با ماهان مهرابی صدای اعتراضی مریم و محمود مهرابی و این خانواده مبارز باشیم. مریم و محمود مهرابی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. حکم اعدام محمود مهرابی این حکم جنایت کارانه حکومت علیه او باید فوراً لغو شود.

بنا بر خبر دیگری صبح روز هفدهم مردادماه مأموران امنیتی حکومت با یورش به منزل اسماعیل گرامی پس از بازرسی خانه، گوشی موبایل و لپ تاپ و کارت ملی او را با خود بردند. در احضاریه همراه مأموران قید شده که این فعال کارگری در ۵ روز آینده خود را به دادرسی اوین (شهید مقدس...) معرفی کند. این در حالی است که در ماه گذشته دادگاه اسماعیل گرامی برگزار شده و حکم بدوی صادر شده و این فعال کارگری در انتظار دادگاه تجدیدنظر و صدور حکم نهایی است.

پرونده امنیتی تشکیل شده برای اسماعیل گرامی این کارگر بازنشسته معترض که جرمش بلندکردن فریاد اعتراضی علیه فقر و تبعیض و نابرابری است باید فوراً بسته شود. با گسترش اعتراضات و اتحاد مبارزاتی در سطح سراسری بساط زندان و سرکوب و اعدام حکومت را جمع کنیم. جمهوری اسلامی این حکومت سرکوب و اعدام باید در سطح جهان بایکوت شود. جمهوری اسلامی نابود باید گردد.

آخرین خبر اینکه پیروز نامی دبیر کانون صنفی معلمان خوزستان با اتهامات امنیتی برای محاکمه در ۲۲ مرداد جاری به دادگاه احضار شد. این چندمین بر است که پیروز نامی این معلم معترض در سال های اخیر مورد پیگرد قرار می گیرد. پیش از این نیز دادگاه انقلاب اهواز و دادگاه کیفری با فشار نیروهای امنیتی در سه حکم جداگانه وی را به مجازات حبس و جزای نقدی محکوم کرده بودند؛ ولی در نهایت شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر اهواز قرار منع تعقیب وی را صادر کرده بود. پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای معلمان، فعالین کارگری و همه فعالین سیاسی و آزادی فوری بدون قید و شرط معلمان زندانی یک کارزار مهم معلمان و کارگران است. وسیعاً از این کارزار حمایت کنیم. پرونده تشکیل شده برای پیروز نامی باید فوراً مسدود شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۸ مرداد ۱۴۰۳، ۸ اوت ۲۰۲۳

<https://www.free-them-now.com/>

رضوی" تعلق دارد و محل چپاولگری های عظیم سران حکومت است. اعتراضات کارگران واکن پارس الگویی از اعتراض در برابر مدیران فاسد و حکومت دزدان و چپاولگران است. اتحاد مبارزاتی علیه فقر و فساد و گرانی محور اعتراضات همه بخش های جامعه است. اعتراضات کارگران واکن پارس شایسته بیشترین حمایت ها از جانب مردم بهویژه مردم اراک است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ مرداد ۱۴۰۳، ۷ اوت ۲۰۲۴

کارگران واکن پارس اراک به اعتصاب گسترده خود ادامه می دهند

کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد

اعتصاب قدرتمند کارگران واکن پارس برای دوازدهمین روز ادامه دارد. بنا بر اخبار دریافتی روز گذشته استاندار این استان با رفتن به کارخانه و دادن وعده و وعیدهایی از کارگران خواست که سرکار بازگردند. اما کارگران وقتی به این وعده ها نگذاشته و اعلام کردند که تا عملی شدن خواست هایشان به اعتصاب ادامه می دهند. کارگران خواستار بازگشت به کار فوری همکاران اخراجی و دیگر مطالبات اعلام شده شان هستند. مقامات مسئول در برابر اعتراضات گسترده کارگران واکن پارس و فریاد شعارهایشان در کف خیابان که تأثیر مستقیمی بر فضای شهر اهواز دارد، کارگران را به کارگران گفته اند که تحصن و تجمع در داخل شرکت اشکالی ندارد؛ اما کشیده شدن اعتراض به خیابان امنیتی است و باعث دردسر خواهد شد. ضمن اینکه شنبه و یکشنبه راه هم به بهانه قطعی برق تعطیل اعلام کرده اند.

بدین گونه مدیریت مفت خور و چپاولگر واکن پارس در پناه پشتیبانی حکومتی با اخراج و تعرض به معیشت کارگران امنیت و زندگی آنها را به خطر انداخته است و وقتی کارگر به خیابان می آید علیه بساط چپاولگری حاکم به اعتراض بر می خیزد و با فریاد "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد" علیه این شرایط بردگی و توحش می ایستند، آن را امنیتی می خوانند و کارگران را مورد تهدید قرار می دهد. امروز هفدهم مردادماه علی رغم همه این تشبیهات اعتصاب کارگران واکن پارس ادامه داشت و کارگران در پشت گیت کارخانه در تحصن بوده و خواستار پاسخ فوری به مطالباتشان هستند.

خواست های فوری دیگر این کارگران عبارت اند از: برکناری مدیریت، رفع تبعیض ها، پایان کار پیمانکاران، همسان سازی حقوق و مزایای کارگران با دیگر کارخانجات هم جوار و گروه مینا، رسمی شدن قرارداد کارگران، و بازگشت به کار کارگران اخراجی.

همانطور که قبل هم اعلام کردیم شرکت واکن پارس شرکت وابسته به گروه صنعتی "مپنا" است که عمده سهام آن به وزارت نیرو و نهاد معلوم الحال موسوم به "آستان قدس رضوی" تعلق دارد و کارگران به چپاولگری های حاکم در این شرکت که یکسریش به سران حکومت وصل است اعتراض دارند. از اعتراضات کارگران واکن پارس وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ مرداد ۱۴۰۳، ۸ اوت ۲۰۲۴

اعتصاب غذای مریم مهرابی و احضار اسماعیل گرامی

متحدانه علیه زندان و اعدام بایستیم

به گزارش شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان ایران: وضعیت جسمی مریم مهرابی معلم ساکن اصفهان و خواهر محمود مهرابی زندانی سیاسی محکوم به اعدام نگران کننده است. باین حال به جای رسیدگی درمانی به سلول انفرادی منتقل شده است. او در زندان دولت آباد اصفهان

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۲ تا ۱۹ مرداد ۱۴۰۳

جمعه ۱۹ مرداد

محاکمه را کاملاً بی‌اساس اعلام کرده و تأکید می‌کنند که در جلوی چشم آنها مأموران حکومتی با شلیک به خودروی آن‌ها، باعث کشته‌شدن هفت نفر از جمله کیان ۹ ساله شدند.

سایر زندانیان محکوم به اعدام علی مجدم، معین خنفری، سالم موسوی، محمدرضا مجدم، عدنان موسوی و حبیب دریس نیز در فهرست زندانیانی قرار دارند که با خطر اجرای حکم اعدام مواجه هستند. این افراد در اواخر سال ۹۷ و اوایل ۹۸ به اتهامات مختلف بازداشت شده و پس از ماه‌ها شکنجه در بازداشتگاه‌های اطلاعات سپاه، به اعدام محکوم شده‌اند.

سه‌شنبه ۱۶ مرداد

- کارگران شهرداری سریندر (خوزستان) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماه ۳ و ۴ همچنین ۵ ماه بیمه عقب‌افتاده دست به اعتصاب زدند.

- وضعیت سیزده زندانی عقیدتی محبوس در بند هشت زندان شیبان اهواز به لحاظ جسمانی وخیم است. اسامی این زندانیان عبارت‌اند از: علیرضا فریسات، وسام مزرعه، یوسف ساعدی، قاسم بروایه، محمد الحایی، حسن نعمی، علی کعبی، محمد باوی، توفیق بالدی، علی سویدی، حافظ سلامات، عادل بدوی و عباس سواعدی.

بنا بر خبر این زندانیان از رسیدگی و درمان محروم مانده‌اند. علیرضا فریسات، نیازمند عمل جراحی رباط پا است. محمد الحایی، توفیق بالدی، قاسم بروایه، عباس سواعدی و یوسف ساعدی نیز از مشکلات دیسک کمر و زانو درد رنج می‌برند. وسام مزرعه نیز با مشکلات جسمانی از جمله غده بدخیم در ناحیه سر مواجه است.

- ساعت دوازده ظهر این روز منصور خلقی کارگر پروژه تأمین نیروی فولاد خوزستان در میان اندوه خانواده و همکارانش به خاک سپرده شد. منصور خلقی دقیقی پیش از پایان دادن به زندگی‌اش در روز ۱۵ مرداد ۱۴۰۳ در ویدئویی، پر از خشم و اعتراض از خاتمه زندگی‌اش می‌گوید. وقتی همکاران وی در ساعت ۷ صبح روز شانزدهم مرداد استوری او را دیدند به منزل وی که در کوی معین‌زاده اهواز واقع است، رفتند. اما با کمال تأسف دیگر دیر شده بود و منصور خلقی خودش را دار زده بود. این ویدئو توسط همکارانش در شبکه اجتماعی منتشر شده است. درگذشت این عزیز را به خانواده‌اش و همکارانش و همگان تسلیت می‌گوییم. منصور خلقی یکی از قربانیان سیستم ناعادلانه و ضدانسانی و چپاولگر حاکم است.

منصور خلقی کارگر معترض به خشم آمده‌ای بود. به دلیل تبعیض، دیرکرد دریافت حقوق و پاسخگو نبودن مدیریت به درخواست‌های کتبی و مکرر او برای تبدیل وضعیت پس از ۸ سال کار در این شرکت، به‌عنوان نیروی پروژه به زندگی خود پایان داد. اما همان جا می‌گوید امیدوارم روزی برسد که دست شما از مملکت کوتاه شود و آرزوی موفقیت و شادی برای همکارانش می‌کند و تک‌تک همکارانش را نام می‌برد.

همکاران منصور خلقی می‌گویند: "هفته گذشته ۸۰ نفر بدون سابقه کار و بدون هیچ‌گونه آزمونی وارد شرکت شدند که اساساً گزینشی از میان

- پیروز نامی دبیر کانون صنفی معلمان خوزستان با اتهامات امنیتی جهت محاکمه برای روز ۲۲ مرداد جاری به دادگاه احضار شد. این چندمین بار است که پیروز نامی این معلم معترض در سال‌های اخیر زیر فشار و مورد پیگرد قرار می‌گیرد. پیش‌ازین نیز دادگاه انقلاب اهواز و دادگاه کیفری با فشار نیروهای امنیتی در سه حکم جداگانه وی را به مجازات حبس و جزای نقدی محکوم کرده بودند؛ ولی در نهایت شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر اهواز قرار منع تعقیب وی را صادر کرده بود. پرونده تشکیل شده برای پیروز نامی باید فوراً مسدود شود.

پنجشنبه ۱۸ مرداد

- اعتصابات کارگران پروژه‌های نفت برای پیگیری مطالباتشان وارد پنجاهمین روز خود شد. این در حالی است که اعتراضات کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه‌های مختلف پارس جنوبی را نیز با خواست محوری حذف پیمانکاران و افزایش حقوقها در این هفته شاهد بودیم.

گرمای هوا در شهرهای جنوبی از جمله در خوزستان طاقت‌فرساست. غالباً در فصل گرما به‌ویژه در مجموعه‌های پالایشگاهی نیروهای ستادی تعطیل می‌شوند و یا ساعت کار آنها کاهش می‌یابد؛ اما نیروهای عملیاتی به همان روال همیشه به کار خود ادامه می‌دهند و بسیاری از آنها دچار گرم‌زدگی و بیماری می‌شود. این شرایط بردهوار یک جنایت آشکار در قبال کارگران است و یک موضوع اعتراض کارگران پروژه‌های نفت در اعتراضاتشان بوده است. از جمله شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در اطلاعیه‌ای از قربانی شدن یکی از کارگران پالایشگاه اول مجتمع گاز پارس جنوبی در تاریخ دوشنبه ۱۵ مرداد خبر داد. این در حالی است که سازمان هواشناسی و به دنبال آن استانداری طی بخشنامه و اطلاعیه‌هایی نسبت به این موضوع اخطار داده بودند. اما پیمانکاران مفت‌خور و جنایت‌کار در پناه سکوت حکومت حامی سرمایه‌داران فاسد از اجرای هر بخشنامه‌ای در جهت تأمین امنیت کارگران امتناع کرده و هیچ‌گونه امکانات سرمایه‌ای حتی آب‌خنک نیز در اختیار کارگران قرار نمی‌گیرد. خبرها از امکان گرم‌تر شدن هوا طی روزهای آینده در خوزستان و در بسیار از مناطق در جنوب ایران حکایت می‌کند.

چهارشنبه ۱۷ مرداد

بعد از موج اعدام‌های اخیر در سراسر ایران، نگرانی‌ها از اجرای حکم اعدام هشت زندانی سیاسی در زندان‌های اهواز، شیبان، و سپیدار بالا گرفته است. این زندانیان به اتهامات سیاسی، به اعدام محکوم شده‌اند. عباس دریس یکی از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ و شاهد کشتار حکومت در نبرزه‌های ماهشهر است. او متهم به قتل یکی از نیروهای امنیتی در جریان این واقعه شده است. ماهشهر یکی از مکان‌های اصلی اعتراضات در اعتراضات مردمی در سال ۹۸ بود.

مجاهد کورکور متهم به تیراندازی در شهرستان ایذه یکی دیگر از زندانیان است که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی دستگیر شد. جمهوری اسلامی مجاهد کورکور را به «اتهام «قتل کیان پیرفلک در آبان ۱۴۰۱ در شهرستان ایذه به اعدام محکوم کرده است. خانواده کیان این اتهام و

شنبه ۱۳ مرداد

خودی‌هایشان است. اما ما نیروهای شرکت با چندین سال سابقه و داشتن مدرک لیسانس هنوز نتوانسته‌ایم نیروی مستمر شویم".

دوشنبه ۱۵ مرداد

- در این روز بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های گذشته برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلفی از جمله در اهواز. دست به اعتراض و تجمع زدند.

- امان جلالی نژاد، معلم ساکن اهواز، ۱۱۹ روز است که توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و هیچ اطلاعی از سرنوشت او در دست نیست. این موضوع نگرانی عمیقی را در میان خانواده، دوستان و همکاران او ایجاد کرده است.

امان جلالی نژاد در ۲۰ فروردین ۱۴۰۳ در ورودی اهواز توسط مأموران امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

او همراه با جعفر سلمان نژاد، مهدی معمار، محمد سلامات، راستین قنوتی و مهشید لطفی، در یک پرونده مشترک در دادرسی انقلاب اهواز از بابت اتهامات تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه‌های مخالف نظام مورد تفهیم اتهام قرار گرفته است. تاکنون دادگاهی برای رسیدگی به اتهامات این افراد برگزار نشده و همچنان بلا تکلیف هستند.

یکشنبه ۱۴ مرداد

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای مختلف از جمله در خوزستان در شهرهای شوش، اهواز به روال هر هفته برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند.

- هومن صیدالی ۱۹ ماه است که در زندان شیبان اهواز بلا تکلیف است. وی از ساکنان روستای پرسایلا در قلعه‌تل ایذه بود که در جریان یورش نیروهای امنیتی به این روستا بازداشت شد. مقامات قضایی با گذاشتن وثیقه فوق سنگین ۵۰ میلیارد تومانی عملاً آزادی مشروط وی را غیرممکن کرده‌اند. خانواده صیدالی توانایی مالی پرداخت چنین وثیقه‌ای را ندارند. این موضوع منجر به تداوم بازداشت زندانی سیاسی هومن صیدالی شده است. هومن صیدالی، یکی از بازداشت‌شدگان انقلاب است که علی‌رغم گذشت نزدیک به هجده ماه از زمان بازداشت، کماکان به صورت بلا تکلیف در زندان شیبان اهواز به سر می‌برد.

جمعه ۱۲ مرداد

- اعتصاب هزاران کارگر پروژه‌ای نفت بر سر سه خواست فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران در مناطق مختلف از جمله در مراکز نفتی در خوزستان ادامه دارد. در برخی از مراکز نفتی پیمانکاران به ناگزیر ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت را پذیرفته‌اند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۹ مرداد ۱۴۰۳، ۹ اوت ۲۰۲۴.



اتحاد اتحاد

علیه فقر

و فساد

اخبار خوزستان

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

milad.rabei@gmail.com



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: www.facebook.com/wpiarn

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

انگلیسی:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ماهواره پناه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com